

الله أكبر
الله أكبر

«تربیت دینے»

حسن مشکاتی

فروز دیانی

سرشناسه	: مشکاتی، حسن، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: از دیدگاه قرآن (تربیت دینی) / حسن مشکاتی، فروز دیانی.
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۷۹-۳-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه:ص.۱۰۹.
یادداشت	: اثر حاضر در اصل پایان‌نامه نویسنده می باشد.
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Qur'anic teaching -- Islamic education
موضوع	: اخلاق اسلامی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Islamic ethics -- Qur'anic teaching
شناسه افزوده	: دیانی، فروز، ۱۳۶۲ -
رده بندی کنگره	: BP ۱۰۴ / ۱۳۹۷۸۷ م ۵
رده بندی دیویی	: ۱۵۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۲۷۷۴۵



تربیت دینی

حسن مشکاتی، فروز دیانی

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت

مدیر چاپ: عبدالرسول ملک احمدی

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

طراح جلد: نفیسه میرفندرسکی

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷ / اول

تعداد صفحه: ۱۱۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد



فهرست

عنوان صفحه

مقدمه..... ۱۳

فصل اول:

مفهوم شناسی و کلیات تربیت دینی

۱-چرا تربیت؟..... ۱۵

۱-۱- ادای حقوق فرزند..... ۱۵

۱-۲- تحقق نیازهای فطری..... ۱۵

۱-۳- لازمه تکامل..... ۱۷

۱-۴- نجات جامعه..... ۱۸

۲- بستر تربیت؟..... ۱۸

۳- تربیت دینی..... ۲۰

۳-۱- دین چیست؟..... ۲۰

۳-۲- دین اسلام..... ۲۰

۳-۳- مفاد دین اسلام..... ۲۱

۳-۳-۱- ولایت، اساس و روح دین..... ۲۲

۳-۳-۲- درهم تنیدگی دین و محبت اهل بیت علیهم السلام..... ۲۴

۳-۴- تربیت دینی چیست؟..... ۲۶

۳-۴-۱- گام اول: محبت اهل بیت علیهم السلام..... ۲۶

۳-۴-۲- گام دوم: ولایت و اطاعت اهل بیت علیهم السلام..... ۲۸

۳-۵- ویژگی‌های تربیت دینی..... ۳۱

۳-۵-۱- محبت، مقدمه اطاعت..... ۳۲

۳-۵-۲- از واجبات الهی..... ۳۴

۳-۵-۳- صراط مستقیم..... ۳۵

۳-۵-۴- تحفه‌ی گرانقدر..... ۳۶



- ۳۸.....۳-۵-۵. الهام شدن محبت.....
- ۳۹.....۳-۵-۶- محبت، نعمت الهی.....
- ۴۱.....۳-۵-۷- ارزش پایدار و شایسته.....
- ۴۳.....۳-۶- اهداف تربیت دینی.....
- ۴۳.....۳-۶-۱- سعادت مندی و خوشبختی.....
- ۴۳.....۳-۶-۲- زیست برای خدا (تقرب).....
- ۴۴.....۳-۶-۳- شناخت خداوند.....
- ۴۴.....۳-۶-۴- واجد حسن عمل شدن.....
- ۴۵.....۳-۶-۵- رشد در ابعاد مختلف انسانی.....
- ۴۶.....۳-۷- نتایج تربیت دینی.....
- ۴۶.....۳-۷-۱- نیک رفتاری.....
- ۴۶.....۳-۷-۲- جلوگیری از لغزش و گناه.....
- ۴۶.....۳-۷-۳- قرار گرفتن در مسیر زیست طولی.....
- ۴۷.....۳-۷-۴- الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام.....
- ۴۸.....۳-۷-۵- دینداری.....

فصل دوم

گام اول تربیت دینی: ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام با روش های تربیتی

- ۴۹.....۱- روش های تربیت دینی.....
- ۴۹.....۱-۱- زمینه سازی.....
- ۵۰.....۱-۱-۱- برپائی مراسم و شعائر اسلامی.....
- ۵۴.....۱-۱-۲- زیارات.....
- ۵۶.....۱-۱-۳- دعا.....
- ۵۷.....۱-۱-۴- توسل.....
- ۵۹.....۱-۲- روش اعطای بینش.....
- ۶۰.....۱-۲-۱- تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام در عالم خلقت.....



- ۶۰ ۱-۲-۱- ایجاد عقیدہ امامت با تبیین ضرورت، هدف و فلسفہ آن.....
- ۶۱ ۱-۲-۳- بیان فضائل اہل بیت علیہم السلام.....
- ۶۳ ۱-۳- اسوہ سازی.....
- ۶۳ ۱-۳-۱- بیان حکایات و داستانہا.....
- ۶۴ ۱-۴- آراستن ظاہر.....
- ۶۵ ۱-۵- تزیین کلام.....
- ۶۵ ۱-۵-۱- تعظیم و تکریم.....
- ۶۶ ۱-۵-۲- شعر.....
- ۶۷ ۱-۶- ارزشگذاری.....
- ۶۷ ۱-۶-۱- ارزش جلوہ دادن محبت اہل بیت علیہم السلام.....
- ۶۸ ۱-۷- ایجاد ارتباط و جو عاطفی.....
- ۷۰ ۱-۸- ترغیب.....
- ۷۰ ۱-۸-۱- تبشیر.....
- ۷۲ ۱-۸-۲- وعدہ دادن.....
- ۷۳ ۱-۹- ابراز توانائی ہا.....
- ۷۴ ۱-۱۰- یادآوری نعمت ہا.....
- ۷۵ ۱-۱۰-۱- معرفی ولی نعمتان.....
- ۷۶ ۱-۱۱- فریضہ سازی (عمل بہ واجبات).....
- ۷۷ ۱-۱۲- مواجهہ با نتائج اعمال.....
- ۷۸ ۱-۱۲-۱- بیان فضیلت حبّ اہل بیت علیہم السلام.....
- ۸۰ ۱-۱۲-۲- توجہ دادن بہ عنایت اہل بیت علیہم السلام بہ شیعیان.....
- ۸۴ ۲- گام دوم تربیت دینی: اطاعت از اہل بیت علیہم السلام.....
- ۸۵ ۲-۱- بعد زیستی.....
- ۸۷ ۲-۲- بعد جنسی.....
- ۸۹ ۲-۳- بعد اعتقادی.....



- ۹۳..... ۲-۴- بعد علمی - آموزشی
- ۹۴..... ۲-۵- بعد اخلاقی
- ۹۵..... ۲-۶- بعد روحی - روانی
- ۹۶..... ۲-۷- بعد فطری
- ۹۷..... ۲-۸- بعد اجتماعی
- ۱۰۰..... ۲-۹- بعد اقتصادی
- ۱۰۱..... ۲-۱۰- بعد سیاسی - نظامی

فصل سوم

برنامہ تربیت دینی

- ۱۰۵..... ۱- مرحلہ اول: قبل و ہنگام تولد
- ۱۰۵..... ۱-۱- انتخاب ہمسر
- ۱۰۷..... ۱-۲- انعقاد نطفہ
- ۱۰۷..... ۱-۳- تولد و نوزادی
- ۱۰۸..... ۲- مرحلہ دوم: دوران کودکی یا سیادت
- ۱۰۸..... ۲-۱- تربیت جسمانی:
- ۱۰۹..... ۲-۲- تربیت عاطفی:
- ۱۰۹..... ۲-۳- مقدمات تشکیل نگرش نسبت بہ:
- ۱۰۹..... ۳- مرحلہ سوم: دوران اطاعت
- ۱۱۰..... ۴- مرحلہ چہارم: دوران وزارت
- ۱۱۳..... فہرست منابع



تربیت دین



بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله ﷺ

انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا

سخن ناشر

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان، در راستای هدف محوری خود (تربیت نیروی کارآمد برای تبلیغ دین) و برای تحقق رهنمود اعلام شده از طرف رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر فراهم کردن زمینه نقش آفرینی اساتید و دانشجویان دانشگاه در جامعه جهانی، اقدام به تأسیس انتشارات نموده است.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت به منظور تأمین نیازهای علمی مخاطبان در سطوح مختلف، منشورات خود را در سه سطح «کتاب پژوهشی»، «کتاب درسی» و «کتاب عمومی» در حوزه علوم انسانی و اسلامی منتشر می کند.

مجموعه کتابهای سطح یک (کتاب پژوهشی) آثار فاخر علمی پژوهشی هستند که مخاطب آن اساتید و متخصصان در حوزه یاد شده می باشند. منابع درسی یا کمک درسی مورد نیاز دانشجویان در رشته های علوم انسانی و اسلامی، تحت عنوان مجموعه کتابهای سطح دو (کتاب درسی) منتشر می شوند. مجموعه کتابهای سطح سه (کتاب عمومی) به آثاری گفته می شود که با هدف ترویج علم و برای مخاطب عمومی منتشر می گردند.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت با تقدیر از مؤلف محترم و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همکاری کرده اند، این «کتاب عمومی» را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

انتشارات

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان



پیشگفتار

باسمه تعالی

این کتاب با عنوان «تربیت دینی» که از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فروز دیانی از دانشجویان موفق دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان استخراج شده به مهم ترین و مبنایی ترین موضوع یعنی تربیت بر اساس ولایت ائمه معصومین علیهم السلام پرداخته است.

جامعه کنونی ما بر دو جنبه پیشگیری و درمان به دنبال راه برون رفت از انواع ناهنجاری های اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی چون طلاق، اعتیاد، سرقت، اختلاس، رشوه، ربا، سوء رفتار و گویش و انواع انحرافات فکری بوده و از طرف دیگر نیازمند به رشد و پیشرفت در عرصه های اخلاقی، اجتماعی، فکری، اعتقادی و اقتصادی (دوری از فقر و تأمین رفاه و نیازهای مادی برای آحاد جامعه) می باشد.

این دو مهم یعنی پیشگیری و درمان تحقق نخواهند یافت مگر با تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بر مبنای ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و این کتاب در راستای چنین هدف مهم و مقدسی نگاشته شده است.

به امید شاهد بودن رشد همه جانبه و ترقی تکنولوژی با عمل به مواردی که در این کتاب ذکر گردیده است.

حسن مشکاتی

ایام دهه ولایت

غدیر ۱۳۹۷



مقدمه

به نظر شما مهم‌ترین موضوع در زندگی انسان چیست؟ هدف انسان در زندگی چه باشد که سعادت‌مند و خوشبخت شود؟

سؤال مهمی که برای عموم والدین همواره مطرح بوده، ضرورت فرزندآوری و چگونگی تربیت وی می‌باشد؟ با وجود سرگرمی‌ها، یورش فرهنگ‌های بیگانه و در معرض انواع مفسد و انحرافات اجتماعی بودن، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نگرانی و دغدغه والدین، چگونه تربیت نمودن فرزندان است. هم‌چنین برای سلامت آنان و پیشگیری از مواجهه با انواع مشکلات اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی مانند جرم و جنایات و انواع مفسد چه راه‌حلی باید اتخاذ شود؟

راه برون‌رفت انسان از مسائل و مشکلات، بکارگیری روش تربیتی با توجه به خصلت مهم انسانی است. محبت و دلبستگی از عمده‌ترین نیازها و خصائص انسان است. اما آنچه مهم است اینکه، رویکرد این عنصر حیاتی زندگی آدمی یعنی محبت به چه سمت و سویی گرایش دارد. زیرا محبت، اطاعت‌آور است و سبب همراهی و هم‌شکلی محبت نسبت به محبوب می‌شود.

در مطالب این کتاب بیان شده، تربیت دینی مبنایی‌ترین و اصلی‌ترین روش تربیتی است و تربیت دینی در راستای تحقق این مهم (نیاز به محبت) می‌باشد. ضامن حال و آینده فرزند، تربیت دینی است و والدین با تربیت بر مبنای آنچه در آموزه‌های دین آمده، با اطمینان خاطر به تربیت فرزند خواهند پرداخت.



در این روش، فرزند محبّ اهل بیت علیهم السلام می شود و در تمام ابعاد وجودی و جهات زندگی خویش، آنان را الگوی خود قرار می دهد و با پیروی از این بزرگواران و اطاعت از سخنان و دستوراتشان در مسیر سعادت دنیوی و اخروی قرار خواهد گرفت و در برابر مسائل و مشکلات حفظ می گردد.

در این ایام که همزمان با عیدالله‌الاکبر، عید غدیر این عید ولایت می باشد با تأمل در فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر می یابیم که سخنان ایشان در آن روز نه تنها معرفی امام و جانشین پس از خود بود بلکه آن حضرت با بیان «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» روش تربیت صحیح را به همگان اعلام فرمودند. و اینکه در جای دیگر سخنانشان در آن روز فرمودند: فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرِ الْغَائِبِ وَالْوَالِدِ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» این امر را یعنی ولایت ائمه اطهار علیهم السلام را وظیفه والدین دانستند که فرزندانشان را با حبّ و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام تربیت نمایند.

این کتاب که از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد^۱ اینجانب استخراج شده در سه فصل تنظیم شده است: در **فصل اول** به مفهوم‌شناسی تربیت دینی پرداخته‌ایم. ابتدا تعریف تربیت دینی و سپس ویژگی‌ها، اهداف و نتایج آن ذکر شده است. **فصل دوم** با عنوان گام‌های تربیت دینی در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول روش‌های تربیتی و راه‌های بکارگیری آن‌ها در جهت تحقق و حصول گام اول تربیت دینی یعنی ایجاد و تقویت محبّت اهل بیت علیهم السلام تبیین و بررسی شده است. بخش دوم این فصل به گام دوم تربیت دینی، اطاعت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام اختصاص یافته است. **فصل سوم** با ذکر اقدامات برنامه تربیتی در چهار مرحله پایان‌بخش مجموعه حاضر می‌باشد.

امید است با مطالعه این نوشتار و اتخاذ تربیت دینی بتوانیم در جهت تحقق هدف نهایی خلقت انسان، گام برداریم.

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان « کاربرد محبّت اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند » با راهنمایی استاد محترم دکتر حسن مشکاتی و استاد مشاور گرامی دکتر تقی اجیه، دانشگاه معارف قرآن و عترت علیهم‌السلام

فصل اول:

مفهوم شناسی و کلیات تربیت دینی

۱- چرا تربیت؟

اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر کسی پوشیده نیست. هیچ مکتب، مذهب و گروهی نیست که اهمیت و ضرورت تربیت انسان را انکار کند. برخی از موارد ضرورت تربیت به شرح زیر می‌باشد:

۱-۱- ادای حقوق فرزند

در کلام امامان معصوم علیهم‌السلام یکی از مسائل بسیار مهم زندگی والدین در قبال فرزندان، احساس مسئولیت آنان در تربیت فرزند می‌باشد، تا جائی که این مهم را حقی از حقوق فرزند بر والدین بر می‌شمارند. در این زمینه روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَيْنِ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُحَسِّنُ آدَبَهُ.^۱

حقی که فرزند بر والدین دارد، نهادن نام نیکو و تربیت نیکوست.

۱-۲- تحقق نیازهای فطری

تفاوت انسان با دیگر موجودات و تمایز او در میان انسانها، فضیلت و برتری او به عنوان اشرف مخلوقات در عالم هستی، نتیجه تعلیم و تربیت است. دقت در وجود انسان و تمایلات و خواسته‌های او، خواهش‌های نفسانی و زمینه‌های سقوط که در نهادش قرار دارد و همچنین وجود

۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۸.



ارزش‌ها و صعود تا خداگونه شدن و متخلق به صفات خدایی گشتن، تربیت تلقی شده و این خود نشانگر ضرورت و اهمیت تربیت می‌باشد.

کسب سعادت در زندگی انسان عامل حیاتی است و برای رسیدن به این مهم، گرایش‌ها و آگاهی‌های فطری به خیر و سعادت به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه باید در جهت رسیدن و کسب آن‌ها تلاش نمود، بنابراین تربیت در جهت کسب آن ضرورت می‌یابد. که این خود نیز حاصل تربیت است.

همچنین شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی که در نهاد همه انسانها به ودیعه نهاده شده است مبتنی بر تربیت است و انسان شدن و وصول به کمال نهایی، مرهون تربیت صحیح است. رسالت همه‌ی پیام‌آوران الهی، تربیت انسانها بوده است.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ (نهج البلاغه) به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»

قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده‌ی پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. قلب جوانان پاک و خالی از آلودگی و عقاید باطل است و مانند زمین خالی است که اگر بذری در آن پاشیده شود، بذر را می‌پذیرد و رشد می‌کند اما اگر بذری پاشیده نشود علف‌های هرز شروع به رشد می‌کنند.^۲ این فرمایش حضرت بیانگر نیاز فطری انسانها به تربیت می‌باشد.

۱. آل عمران ۱۶۴/

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۹ ص ۵۱۴



۳-۱- لازمه تکامل

انسان در اندام و خصوصیات ظاهری خلاصه نمی‌شود، بلکه استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌ای در وجود هر انسانی نهفته است. قدرت تعقل، اختیار، اراده و سایر نعمت‌های مادی و معنوی به منظور پیمودن مسیر تکامل و کسب سعادت تنها مسخر انسان است. لذا لازم و ضروری است انسان به عنوان اشرف و افضل^۱ مخلوقات، امکانات و سرمایه‌های خدادادی را رشد داده و به تکامل برساند و در نهایت به کمال نهایی خلقت خویش دست یابد. استعدادهای بی‌شمار، قدرت تعقل، اختیار، اراده و سایر نعمت‌های مادی و معنوی تنها مسخر انسان است.

بنابراین هر انسانی این قابلیت را دارد که به عالی‌ترین مراحل کمال و به قله رفیع انسانیت برسد، پروردگار عالم برای اینکه انسان بتواند در مسیر تکاملی خود به اهداف خلقت برسد و هدایت شود، هم راه تعالی و کمال را به او نشان داده و هم او را به انواع وسائل و ابزار هدایت و تربیت مجهز نموده است.

لذا برای به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی و پروراندن قوای جسمانی و روانی انسان و نهایتاً وصول به کمال مطلوب، تربیت ضرورت می‌یابد. در اهمیت تربیت همین بس که گوهر آدمی با آن محقق می‌شود و انسان فاقد تربیت در حقیقت فاقد همه چیز است و چنانچه تحت تربیت درست قرار گیرد چه بسا از ملائکه والاتر گردد، در غیر این صورت نه تنها امکانات بالقوه، او از بین خواهد رفت بلکه به عقب برمی‌گردد و همچون حیوانات بلکه پائین‌تر خواهد آمد.

امیرالمؤمنین علیه السلام: «رُبَّ كَادِحٍ حَاسِرٍ»^۲

چه بسیار زحمت کشانی که زیان دیدند.

بر همین اساس است که گفته می‌شود مهم‌ترین اصل در تکامل انسان، تربیت می‌باشد، چرا که

۱. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [سراء/ ۷۰]

۲. نهج البلاغه، خ ۱۲۹



انسان برترین موجودات عالم با قابلیت تعالی است.

۴-۱- نجات جامعه

انسان به حکم انسان بودن با انسان‌های دیگر دارای وجوه مشترکی است و با توجه به ویژگی اجتماعی بودن او و ضرورت تأمین نیازهای درونی و بیرونی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و ...) ملزم به ارتباط با انسان‌های دیگر می‌باشد. بنابراین تربیت به جنبه‌های درونی و فردی انسان و عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد منحصر، محدود و متوقف نمی‌شود، بلکه شئون اجتماعی او را نیز در بر می‌گیرد. به این خاطر که فرد فرد انسانها، جامعه را تشکیل می‌دهند و تربیت صحیح آنها عامل رشد و تحول اساسی جامعه می‌گردد.^۱

درون انسان استعدادها و نیازهای فراوانی نهفته است که برای شکوفایی آنها تربیت ضروری است و در این صورت است که اگر تربیت صحیح انجام پذیرد با ساخته شدن فرد به تبع آن جامعه هم ساخته می‌شود. اسلام نیز بر تربیت و رشد فرد و جامعه می‌کوشد. در شکل‌گیری شخصیت افراد، جامعه تاثیرگذار است. اگر جامعه فاسد باشد، زمینه فساد در افراد ایجاد می‌کند^۲ و اگر جامعه سالم باشد، زمینه رشد و تعالی افراد را فراهم می‌کند.

۲- بستر تربیت؟

انسان بستر، زمینه و موضوع تربیت می‌باشد. لذا قبل از انجام روند تربیت لازم است به‌طور مختصر به شناخت انسان و برخی خصوصیاتش پرداخته شود. خداوند متعال مجموعه ای از نیروها، قوا، استعدادها و گرایش‌هایی را در نهاد انسان قرار داده است. علم و آگاهی انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. انسان با داشتن نیروی تفکر و

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۸

۲. انفال/ ۲۵



تعقل توانایی رسیدن به تعالی و تکامل را دارد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان داشتن اختیار است.^۱ سرنوشت انسان در گرو اعمالی است که با قدرت اختیار دست به انتخاب و انجام آن‌ها می‌زند.^۲ انسان با دارا بودن این نیروهای درونی قابلیت رشد دارد.

استعدادهای نیک و بد بالقوه موجود است و انسان توانایی این را دارد که با وجود این استعدادها و به فعلیت رساندن استعدادهای نیک و مثبت به تعالی و کمال دست یابد. آیات قرآن نیز مؤید همین مطلب است که انسان شایستگی، توانایی و استعداد این را دارد که از ملائکه برتر شود و به مراتب کمال دست یابد و موجودی شود که خدا از او خشنود و خرسند گردد^۳ و هم استعداد آن را دارد که از حیوان پست‌تر گردد.

لذا انسان با برخوردار بودن از این ویژگی‌ها و کمالات نباید عمر خود را بیهوده بگذراند بلکه باید در جهت رشد استعدادها و توانایی‌ها گام نهد و در مسیر رسیدن به تکامل خویش نیز قدم گذارد. و رسیدن به این مهم در گرو اتخاذ نوع و روش تربیت است.

با دارا بودن چنین ویژگی‌هایی دو مسیر پیش روی انسان است. انسان توانایی انتخاب دارد و از آنجا که عقل و خواهش‌های نفسانی در پیکار با یکدیگرند تصمیم و انتخاب برای انسان دشوار است. اگر خواهش‌های نفسانی بر عقل غالب شوند نتیجه آن سقوط و هلاکت است، لذا برای رهایی از سقوط و رسیدن به مراتب والای هستی باید در مسیر تربیت صحیح قرار گرفت.

۱. انسان / ۳

۲. مدثر / ۳۸

۳. فجر / ۲۰-۲۷



۳- تربیت دینی

۳-۱- دین چیست؟

مهم ترین موضوع زندگی انسان که تعیین کننده‌ی سامان‌ها و نابسامانی‌ها در رسیدن به سعادت و شقاوت است، به نوع تربیت باز می‌گردد. رسیدن به قرب الهی، حصول سعادت دوجهان و گام نهادن در مسیر صحیح اخلاقی و تربیتی در پیروی از قواعد و قوانینی است که توسط انبیاء به انسان‌ها ابلاغ شده است و تحت عنوان دین از آن یاد می‌شود.^۱

۳-۲- دین اسلام

اصول دعوت و رسالت پیامبران در همه ادیان، مشترک و دعوت به توحید و یگانگی خداوند است و روح دین در هر عصر و زمان چیزی جز تسلیم در برابر حق نبوده است. با تکامل جامعه بشری، دستورات کامل تری از سوی خداوند توسط پیامبران به مردم ابلاغ گردید و خداوند دین اسلام به پیامبری حضرت محمد ﷺ را به عنوان دین مورد قبول معرفی می‌نماید.^۲

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)^۳

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.

حضرت علی علیه السلام نیز درباره دین چنین می‌فرماید:

«تُرَّانَ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ...»^۴

همانا این اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزید ...

(وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^۱

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. همان ص ۴۷۱

۳. آل عمران/ ۱۹

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸



و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت، از زیانکاران است.

دین اسلام با ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام تمام و کامل گردید و خداوند رضایت خویش را از آن اینگونه بیان فرمود:

(...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...)^۲

...امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین شما پذیرفتم...

اکمال و اتمام دین و رضایت خداوند در ولایت حضرت علی و ائمه معصومین علیهم السلام است.

۳-۳- مفاد دین اسلام

اصول دین، مجموعه معارف و قوانینی است که خداوند متعال توسط پیامبران برای راهنمایی و سعادت جامعه تشریح گردانیده است.^۳

دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.^۴

پیامبرگرامی اسلام خاتم پیامبران مردم را بر طبق دستورات دین مبین اسلام راهنمایی و تربیت نمودند و پس از خود مسلمانان را به تمسک جستن به قرآن و اهل بیت علیهم السلام توصیه نمودند.^۵

۱. آل عمران / ۸۵

۲. مائده / ۳

۳. ر.ک: طیب، سید عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، ج ۲، صص ۴-۳.

۴. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۹۳.

۵. قَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ وَ هُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِي عِزَّتِي. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۱۰۸



۱-۳-۳- ولایت، اساس و روح دین

از شئونی که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بخشیده است، ولایت آنها بر مؤمنان است یعنی اختیار آنها نسبت به مؤمنان بیشتر از خودشان است و خواست آنان بر خواست مؤمنان درباره خود مقدم است.^۱

بنابراین ولایت ایشان نسبت به مؤمنان ولایت الله است و اولیاء خدا می باشند. این بزرگواران ولایت بر مؤمنان را از طرف خدا دارا شده اند. لذا مؤمنان باید نسبت به ولایت خدا، رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام خاضع و تسلیم باشند.

«ولی» به معنای سرپرست و صاحب اختیار است.^۲

هدف خلقت، عبودیت و بندگی خداوند متعال است لذا خداوند برای تحقق این هدف، اولیاء خود را مسئول حفظ و صیانت مردم در مسیر عبودیت و معرفت خود قرار داده است و اگر انسان‌ها در پناه اولیاء خدا بالاخص اهل بیت علیهم السلام و تحت تعلیم و تربیت ایشان قرار گیرند، یقیناً در طریق بندگی خداوند قرار خواهند گرفت، به این دلیل که علم و قدرت لازم برای تربیت صحیح انسان‌ها به اهل بیت علیهم السلام داده شده است.

خداوند، ولی، سرپرست و صاحب اختیار مؤمنین را برگزید و به آنان معرفی نمود. همچنین خداوند خواسته است اعمال انسان‌ها تحت هدایت و راهنمایی آن‌ها باشد. با پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، اعمال جوارحی، افعال قلبی و حتی افکار انسان تحت ولایت و هدایت آن‌ها قرار می‌گیرد و بندگان، آن‌گونه که خواست خداوند است، تربیت شده و به تکامل و سعادت دست می‌یابند. از همین جهت است که وظیفه مسلمانان در هر حال و در هر مورد، رجوع و درخواست از این بزرگواران می‌باشد.

۱. احزاب/ ۶.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۸۸۵.



بنابر آنچه ذکر شد، ائمه اطهار علیهم السلام نقش رهبری و الگویی در هدایت و تربیت فرزند را دارا می‌باشند و اقرار به ولایت ایشان ملاک ایمان و شرط ضروری توحید است.

امام رضا علیه السلام از پدرانشان نقل کردند که: خدای عزوجل فرمود: «لا اله الا الله» پناهگاه من است. هر کس داخل پناهگاه من گردد، از عذاب من در امان است (و وقتی مرکب ایشان دور شد، با صدای بلند به ما فرمود): اما با شرایطی و من هم جزء آن شرایط هستم.^۱

بنابراین کلمه‌ی توحید وقتی نجات دهنده از عذاب الهی خواهد بود که همراه با ولایت ائمه اطهار علیهم السلام باشد و در واقع توحید خالص فقط در این صورت محقق می‌گردد. لذا ولایت اهل بیت علیهم السلام همان اثری را دارد که کلمه‌ی توحید دارد.^۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: "اخلاص" لاله الا الله "چیست؟ فرمودند: عمل کردن به آنچه من به آن مبعوث شده‌ام و محبت اهل بیتم؛ گفتند: محبت اهل بیت شما و پذیرش ولایت جزء این کلمه است چنانکه باید باشد؟ فرمود: آری.^۳

بنابراین لازمه توحید، محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام است و اخلاص در توحید آن است که به همه احکام الهی عمل شود و توحید مانع از ارتکاب گناه گردد و در محبت و اقتدا به اهل بیت علیهم السلام کوتاهی نشود.^۴

ولایت امیرالمومنین علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام روح توحید خدای متعال و تضمین کننده آن

۱. « قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، صدوق، محمدبن علی، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ ص ۱۳۴.

۲. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنْ مِيكَائِيلَ عَنْ إِسْرَافِيلَ عَنِ اللُّوحِ عَنِ الْقَلَمِ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَآئِلَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، همان، ص ۱۳۶.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۳.

۴. انصاریان، حسین، اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین، ص ۲۱۲.



است. ممکن است کسی ظاهراً اهل توحید باشد ولی اگر اهل ولایت نباشد توحیدش پذیرفته نیست. ولی اگر کسی به راستی اهل ولایت امامان معصوم علیهم السلام باشد، هم توحیدش پذیرفته است و هم به نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقرار کرده است. ولایت امیرالمومنین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام روح و اساس توحید و نبوت می باشد.

آیت الله دستغیب درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام می نویسد: «ولایت اهل بیت علیهم السلام عبارت است از شدت علاقه قلبی و تبعیت از ایشان در رفتار و تأسی به ایشان - حقیقت ولایت تمسک به اهل بیت علیهم السلام است به قسمی که آنان را حاکم بر وجود خود قرار دهد».^۱

خداوند از انسانها بندگی می خواهد و بندگی هم در پذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام خلاصه می شود. آنچه شخصیت انسان را تشکیل می دهد، معرفت و ولایت اوست، نه اعمال عبادی. نشانه ولایت، محبت به این ذوات مقدسه می باشد که مبنائی ترین و ضروری ترین روش تربیت فرزند می باشد.

۲-۳-۳- درهم تنیدگی دین و محبت اهل بیت علیهم السلام

الف) محبت اهل بیت علیهم السلام، اساس اسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبت اهل بیت علیهم السلام را اساس و مبنای اسلام بیان فرمودند:

«... لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۲

هر چیزی را اساس و پایه ای است و پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.

ب) محبت ائمه اطهار علیهم السلام، ملاک دین

بنابر فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام دین چیزی جز محبت نیست.

۱. دستغیب، سید عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام ص ۱۱۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲ ص ۴۶.



امام صادق علیه السلام می فرماید: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟

آیا حقیقت دین، جز محبت و دوستی چیز دیگری است؟

مدار دین ورزی و دینداری و بی دینی، مدار اعتقاد و بی اعتقادی، مدار اندیشه ورزی و ترک آن

جز محبت و دوست داشتن نیست.

ج) محبت ائمه اطهار علیهم السلام، استكمال دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَدُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ»^۱

دوستی اهل بیت و فرزندانم موجب کمال دین است.

چنانچه ذکر گردید دین جز محبت چیزی نیست و برطبق این فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بدون

مودت اهل بیت علیهم السلام دینداری ناقص است و با این محبت، کامل می گردد.

امام صادق علیه السلام در جواب فضیل بن یسار که از ایشان پرسید:

عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَفِنَّ الْإِيْمَانَ هُوَ فَقَالَ وَهَلِ الْإِيْمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟^۲

آیا حب و بغض از ایمانست؟ فرمود: مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟

یعنی اگر خواستید به حقیقت و کمال ایمان دست یابید لازم است حب خود را در جهت

محبت به اهل بیت علیهم السلام قرار دهید.

د) محبت ائمه اطهار علیهم السلام، عبادت و شرط قبولی اعمال

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حُبُّ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيْمَانَ عَبْدٍ إِلَّا بَوَّالًا يَتِيهَ وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِ»^۳

۱. صدوق، محمدبن علی، الامالی، ص ۱۹۲

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۵

۳. دیلمی، حسن، ارشادالقلوب الی الصواب، ج ۲ ص ۲۰۹



دوستی علی عبادت است، خدا ایمان بنده‌ای را نمی‌پذیرد مگر بوسیله دوستی علی و دوری از دشمنان او.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فَمَنْ يُحِبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْفَعَهُ إِيْمَانُهُ وَيُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ وَمَنْ لَمْ يُحِبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَنْفَعَهُ إِيْمَانُهُ وَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ»^۱

هر که ما اهل بیت را دوست بدارد ایمانش مفید و عملش قبول می‌شود و هر که ما را دوست ندارد نه بهره از ایمان خود می‌برد و عملش قبول نخواهد شد.

۴-۳- تربیت دینی چیست؟

۱-۴-۳- گام اول: محبت اهل بیت علیهم السلام

یکی از خصیصه‌ها و ارکان وجودی انسان، فطرت^۲ است. فطریات سرمایه‌های اولیه انسان است که خداوند حکیم به منظور سعادت بشر در نهاد هر انسان قرار داده و هر فرد با وجود این سرمایه‌های خدادادی به دنیا می‌آید و از رسالت‌های تربیت، به فعلیت درآوردن و پرورش صحیح فطریات است که در پرتو آن سعادت فرد پی‌ریزی می‌شود.

عواطف و احساسات و عقل دو نیروی مهم فطرت و منشأ سعادت انسان می‌باشند. عواطف و احساسات در وجود انسان نهفته و در تمام ایام عمر او بر کلیه شئون زندگی فرد حاکم و مؤثر است. از سویی دیگر انسان موجودی اجتماعی است و آنگونه که از نام انسان بر می‌آید قوام زندگی او به انس و الفت بین او و هموعانش بستگی دارد.^۳ انس‌پذیری انسان ناشی از نیازمندی او به دیگران برای تأمین نیازهایش و بالاخص نیاز عاطفی می‌باشد. از این رو است که آبراهام مازلو در

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶ ص ۱۴۹

۲. فطرت عبارت است از مجموعه‌ای از نیروها، قوا، استعدادها و گرایش‌هایی که از سوی خداوند متعال در نهاد انسان قرار داده شده است. (نصری، عبدالله، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، ص ۱۶۶).

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱ ص ۲۱۶



طبقه‌بندی نیازهای انسان، نیازهای عاطفی و اجتماعی (احساس تعلق، علاقه و محبت) را در طبقه سوم هرم نیازها پس از نیازهای فیزیولوژیکی و امنیت قرار داده است.^۱

دوست داشتن از نیازهای اساسی است. انسان فطرتاً نیاز به دوست داشتن دارد و تأمین این نیاز از طریق برقراری ارتباط عاطفی است. پیوندی قوی‌تر از محبت نمی‌تواند انسانها را به یکدیگر نزدیک سازد و این پیوند به سادگی گسسته نمی‌شود. نتیجه دوست داشتن الگوگیری و تبعیت از محبوب است.

قرار گرفتن در مسیر عبودیت و بندگی که هدف خلقت و هدف غایی تربیت می‌باشد، در گرو تربیت صحیح و یا به تعبیری تربیت دینی و نهادینه ساختن آموزه‌های دینی خواهد بود. بر طبق احادیث ذکر شده، دینداری کامل در سایه حجت و ولی خدا محقق می‌شود و با پذیرفتن ولایت ولی خدا، اعمال انسان مورد قبول درگاه الهی واقع می‌شود.

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه اینگونه می‌فرماید:

«... وَبِمَوْلَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ...»^۲

از این رو است که تربیت دینی یعنی تربیت بر مبنای محبت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام ضرورت می‌یابد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ، حُبِّ بَيْتِكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ...»^۳

۱. مازلو نیازهای انسان را به پنج دسته عمده تقسیم بندی کرده است که عبارتند از: نیاز فیزیولوژیک (غذا، آب، مواد معدنی و ویتامینی) نیاز به ایمنی (امنیت اشتغال، رفاه و سلامت خود و خانواده) نیاز به محبت و تعلق داشتن، نیاز به عزت نفس یا احترام به خود، نیاز به خودشکوفایی یا تحقق خویشتن (شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)؛ ص ۱۴۱؛ پارسا، محمد، روانشناسی تربیتی، ص ۱۸۰)

۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۶۱۶

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۶



فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوستی و محبت پیامبرتان و محبت به اهل بیت او و تلاوت قرآن کریم...

همچنین جابر بن عبدالله انصاری درس آموخته مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخن خود به ما می آموزد که فرزندان را با حبّ علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنیم.

«... يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ ادُّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ...»^۱

ای گروه انصار فرزندان خود را بر دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنید.

در جامعه امروز آن تربیتی که می تواند مسیر سعادت و هدایت فرزند را تأیید و تضمین نماید، تربیت دینی یعنی محبّ اهل بیت علیهم السلام نمودن فرزند است.

۲-۴-۳- گام دوم: ولایت و اطاعت اهل بیت علیهم السلام

خداوند برای هدایت و سعادت انسانها از جانب خویش پیامبران و امامان را برگزید و جانشینان خویش در زمین قرار داد تا راهنمای انسان به سعادت و تکامل باشند. سرآمد این هادیان الهی، پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان معصوم ایشان هستند که خداوند اطاعت از آنها را همردیف اطاعت خویش واجب نموده است^۲ و از آنجایی که مقدمه تبعیت و اطاعت محبت است، خداوند متعال برای تحقق این امر، به عنوان مقدمه مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام را برگزیده است.^۳

با توجه به تفاسیر هدف از اینکه نسبت به اهل بیت علیهم السلام مودت ورزیده شود اصل اعتقادی امامت و تبعیت از آنان است که واجب و از ضروریات دین می باشد. رابطه امام و مأموم یک رابطه صرفاً آموزشی و اطلاع رسانی نیست در حقیقت مأموم موظف به اطاعت از امام است و این، امر الهی و از واجبات و ضروریات دین است.

۱. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۷۶.

۲. نساء/ ۵۹

۳. شوری/ ۲۳



آیات قرآن و احادیث بیانگر این مطلب است که نوعی رابطه محبّ و محبوب، جذب و انجذاب، ربایندگی و دلدادگی و نوعی نفوذ و تسخیر در کار است که از طریق رابطه عاطفی و قلبی صورت می‌پذیرد.

بنابراین برای ایجاد و تقویت این اصل مهم (اعتقاد به امامت) علاوه بر بیان فلسفه نبوت و امامت و بکارگیری منطق و استدلال مقدماً لازم است از احساسات و عواطف که خمیرمایه اولیه گرایش‌های مذهبی و تقویت نگرش‌ها و رفتارهای مکتبی در بین همه انسان‌ها به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان است، استفاده شود.

* بنابراین مطمئن‌ترین، کوتاه‌ترین، مفیدترین و مبنایی‌ترین راه و روش تربیت فرزند، تربیت دینی یعنی کاشتن بذر محبّ اهل بیت علیهم‌السلام در دل و جان فرزند می‌باشد.

اهل بیت علیهم‌السلام مقام امامت و رهبری مسلمانان را پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برعهده دارند و بر مسلمانان اطاعت و تبعیت از آن بزرگواران واجب و در مرتبه اطاعت از خدا و رسول گرامی اسلام است^۱ و به تعبیر دیگر امامت نیز همچون توحید و نبوت از اصول و مبنای دین اسلام است. از دیگر موضوعات مهم درباره اهل بیت علیهم‌السلام واجب اطاعت بودن آنهاست. خداوند در سوره نساء آیه ۵۹ می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...)

از مهمترین مسائل اسلامی، مسئله رهبری و امامت است که مرجع واقعی مسلمانان در مسائل مختلف دینی و اجتماعی می‌باشند. مخاطب آیه شریفه مؤمنان هستند و اطاعت فرد مؤمن باید به اطاعت پروردگار منتهی شود و اطاعت از خداوند نتیجه آن پیروی از پیامبر است و در مرحله سوم خداوند مؤمنین را فرمان به اطاعت از اولی الامر می‌دهد که حافظ دین و دنیای مردم هستند.^۲

۱. نساء/ ۵۹

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳ صص ۴۳۵-۴۳۴



اطاعت مطلق و بدون هیچ قیدی اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر از اصول اساس دین اسلام است که همه سعادت‌های انسان در گرو عمل به این اصل است. این اطاعت‌ها اساس و زیربنای همه شرایع و احکام الهی است و اطاعت از خدا توسط تبعیت و پیروی از دستورات وحی پیامبر و بکارگیری معارف و شرایع آن انجام می‌پذیرد.^۲

روایات بسیاری از کتاب‌های شیعه و سنی نقل شده است که منظور از اولی الامر که طاعتشان مقرون به اطاعت خدا و رسول است بر اساس بیان پیامبر دوازده پیشوای معصوم از خاندان ایشان می‌باشند و همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از "اولی الامر"، امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر به آنها سپرده شده است.^۳

هنگامی که آیه فوق نازل شد جابر بن عبدالله انصاری خدمت پیامبر آمد و گفت: خدا و رسول او که اطاعت از آنها واجب دانسته شده است را می‌شناسیم به ما بگوئید اولی الامر چه کسانی هستند که باید از آنها اطاعت نماییم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امامان معصوم علیهم‌السلام را نام بردند.^۴

رسیدن به تکامل و کمالات در گرو اطاعت و بندگی خداوند متعال است و این بندگی از طریق تبعیت از امامان معصوم علیهم‌السلام بدست می‌آید. بی‌واسطه اهل بیت علیهم‌السلام رسیدن به طهارت و شئون چون ایمان، عمل صالح، اخلاق حسنه و تربیت جامع و کامل برای کسی میسر نیست. ایشان مربیان و معلمان رئوف، رحیم، هدایتگر، دستگیرندگان امت، بازکننده در سعادت و نجات و

۱. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه مکارم شیرازی، ج ۴ ص ۶۲۳

۲. همان، ص ۶۱۷

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳ ص ۴۳۶-۴۳۴

۴. «... هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفِ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ إِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كِنْيَتِي ...»
«مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۸۹ و کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۳»



مسدود کننده راه شقاوت و ضلالت هستند. و چنانکه در تأویل آیات قرآن و روایات نقل شده، اهل بیت علیهم السلام همان صراط مستقیمی هستند که بطور مکرر در قرآن مجید از آن یاد شده است.^۱

* بنابراین تربیت دینی یعنی محبت و پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و اطاعت از آنان. این تربیت در دو گام محقق می شود:

گام اول: محبت ائمه اطهار علیهم السلام

گام دوم: ولایت و اطاعت یعنی مطیع آنان شدن

نشانه‌ی محبت راستین، پیروی محب از محبوب خویشتن است.

۵-۳- ویژگی‌های تربیت دینی

همان‌گونه که قبلاً بیان شد مهم‌ترین نوع تربیت، تربیت دینی است و دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.^۲

قواعد و قوانین دین برای سعادت انسان است و از مهم‌ترین دستورات و قوانین آن، دستورات تربیتی است. پس از پیامبر گرامی اسلام منابع رجوع مسلمانان قرآن و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که باید به آنها تمسک جست و به دستورات آنها عمل کرد. قرآن، وحی الهی و کلام خداوند است و اهل بیت علیهم السلام دارای مقام عصمت و مصون از اشتباه و خطا^۳، بنابراین اطاعت از آنها اصلی‌ترین، تنهاترین و بهترین اصل در تربیت فرزند است.

راه رسیدن به اطاعت و بندگی خداوند که هدف غایی خلقت^۴ و تربیت است از طریق اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام حاصل می‌گردد. لازمه و مقدمه تبعیت، محبت است، ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام یکی از مبانی دین اسلام است و چنانکه بیان شد اساس اسلام ذکر گردیده است. به

۱. انصاریان، حسین، اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین، ص ۲۵۱

۲. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۹۳.

۳. احزاب / ۳۳

۴. ذاریات / ۵۶



همین دلیل می‌توان گفت نقش بسزایی در تربیت فرزند و هدایت آنان به سوی کمال و سعادت را خواهد داشت.

مطمئن‌ترین، کوتاهترین، مفیدترین و مبنایی‌ترین راه و روش تربیت فرزند، تربیت بر مبنای محبت، ولایت و اطاعت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد. برای روشن‌تر شدن آن لازم است ابتدا برخی از ویژگی‌های محبت اهل بیت علیهم‌السلام ذکر شود:

۱-۵-۳- محبت، مقدمه اطاعت

محبت به اهل بیت علیهم‌السلام واقعیت مهمی است که خداوند اجر رسالت پیامبر قرار داده است. آنجا که خداوند می‌فرماید:

(... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ...)^۱

« بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم » خداوند به پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید به مردم بگو اگر می‌خواهید جواب مناسب به رسالت من بدهید و دینداری خود را از طریق رسالت من به انتها برسانید، باید آن دینداری را در مسیر محبت به نزدیکان من قرار دهید. در واقع از آیه بر می‌آید که اگر دینداری به محبت نزدیکان پیامبر کشیده نشود، به انتها نرسیده است.^۲

در این آیه به صراحت سخن از محبت به اهل بیت علیهم‌السلام است. دانشمندان اسلامی و مفسران می‌گویند این آیه درباره خاندان پیامبر نازل گردیده است و از نزول آن تا کنون یک معنی بیشتر نداشته است و آن دوستی با خاندان رسالت، ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد.

نکته مهم در آیه شریفه "مؤدت" است که عبارت از محبت توأم با اطاعت می‌باشد. مؤدت به

۱. شوری/ ۲۳

۲. مکارم‌شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۹ ص ۲۱۷.



اهل بیت علیهم السلام و گام نهادن در مسیر آنان از بالاترین واجبات است که اگر نباشد سایر اعمال فضیلتی ندارند^۱ و چنانچه ذکر شد رسول اکرم ص محبت اهل بیت علیهم السلام را اساس اسلام ذکر می‌فرمایند.

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این باره می‌فرماید: این محبت امر ساده‌ای نیست، بلکه به عنوان پاداش نبوت و اجر رسالت است، بنابراین باید مطلبی هم‌وزن و هم‌شأن آن باشد، تا بتواند پاداش آن قرار گیرد. از سوی دیگر آیات قرآن گواهی می‌دهد سود این محبت چیزی نیست که به پیامبر ص برگردد، بلکه نتیجه آن صد در صد عائد خود مؤمنان می‌شود یا به تعبیر دیگر این یک امر معنوی است که در تکامل هدایت مسلمانان و هموار شدن راه بندگان به سوی خداوند مؤثر است. به این ترتیب گرچه از آیه چیزی جز مسأله وجوب محبت استفاده نمی‌شود اما با قرائنی که ذکر شد این وجوب محبت بیانگر مسأله امامت است که پشتوانه مقام نبوت و رسالت می‌باشد.^۲

توجه به این نکته نیز لازم است که محبت عامل مؤثری است برای پیروی کردن، همانگونه که در سوره آل عمران آیه ۳۱ آمده است:

(قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)

«بگو اگر خدا را دوست میدارید از من پیروی کنید»

اصولاً پیوند محبت با کسی انسان را به سوی محبوب و خواسته‌های او می‌کشاند و هر چه رشته محبت قوی‌تر باشد این جاذبه قوی‌تر است، مخصوصاً محبتی که انگیزه آن کمال "محبوب" است، احساس این کمال سبب می‌شود که انسان سعی کند خود را به آن مبدأ کمال و اجرای خواسته‌های او نزدیکتر گرداند.^۳

۱. انصاریان، حسین، اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین، ص ۵۲۹.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰ ص ۴۲۳

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵ ص ۱۳۸ برای توضیح بیشتر در این زمینه به جلد دوم تفسیر نمونه صفحه ۳۸۴ (ذیل آیه ۳۱ سوره آل عمران) مراجعه فرمائید.



اگر پیوند قلبی و عاطفی میان فرزند و اهل بیت علیهم السلام ایجاد شود باعث می شود، دست در دست آنان نهاده و به دستورات و معارف آنان روی آورد و در مکتب سعادت بخش آنان شاگردی کند و در اعمال و رفتار و تمام شئون زندگی به آنان اقتدا نماید.

۲-۵-۳- از واجبات الهی

واضح و مبرهن است که راه رسیدن به خدا با ادامه راه رسول الله صلی الله علیه و آله به وسیله جانشینان پیامبر اسلام یعنی اهل بیت علیهم السلام ایشان که امامان منصوب از جانب خداوند هستند، محقق می شود و پایه این ارتباط، مودت به آنها است. این مودت در چهره ای به سوی مسأله امامت و خلافت و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ادامه خط رهبری رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت، و هدایت مردم در پرتو آن است. امامت ائمه اطهار علیهم السلام تداوم رسالت پیامبر اسلام است و از آنجایی که محبت و رزیدن در نهاد انسانهاست و ثمره آن اطاعت و تبعیت است خداوند اجر رسالت پیامبر را محبت اهل بیت علیهم السلام ایشان قرار داد و در روایات از جمله واجبات است و ثمره و نتیجه آن پیروی از آنان می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلَا يَتَنَا وَأَوْجَبَ مَوَدَّتَنَا...»^۲

خداوند ولایت ما را واجب ساخته و دوستی ما را واجب و لازم شمرده است...

لذا این امر الهی است که فرزندان را نیز محبت اهل بیت علیهم السلام تربیت نمود. در تمام زمینه ها و شئون زندگی انسان، قرآن، سیره و دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام اصل است، که ریشه در وحی الهی دارد و اهل بیت علیهم السلام دارنده مقام عصمت می باشند و مصون و مبرا از خطا و اشتباه و دور از انحرافات می باشند. لذا تربیت فرزند باید بر مبنای محبت به این ذوات مقدسه انجام پذیرد. تربیت فرزند اگر بر این مبنا باشد باعث می گردد از آنها تبعیت نمایند و آنها را به عنوان اسوه،

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، صص ۴۰۹-۴۱۰.

۲. مفید، الامالی، ص ۶۰.



الگو، ملاک و معیار اعمال خود قرار دهد. بنابراین علاوه بر اعمال و رفتار که به آنها مراجعه می‌شود، در فهم دین و کلام الهی نیز باید به آنها رجوع شود. لذا این محبوبیت است که سبب تبعیت از آنها می‌شود و منجر به بروز صدور اعمال نیک از آنها می‌گردد.

۳-۵-۳- صراط مستقیم

براساس تأویل آیات قرآن کریم، راهی که بین خالق و مخلوق است و حرکت بر پایه آن راه انسان را به مقام قرب و لقای حق و دست یافتن به فوز عظیم و رهایی از عذاب جاودانه می‌رساند، صراط مستقیم است.^۱ اینکه این راه چیست؟ از کجا تا به کجاست؟ کمیت و کیفیت آن چگونه است و به چه صورت باید در این راه قرار گرفت و حرکت کرد با استفاده از سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام مشخص می‌گردد. امام صادق علیه‌السلام درباره صراط مستقیم در سوره حمد می‌فرماید:

«يُقُولُ أَرَشِدُنَا إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ أَيْ أَرَشِدُنَا لِلزُّوْرِ الطَّرِيقِ الْمُوَدِّيِّ إِلَى مَحَبَّتِكَ وَالْمُبْلَغِ دِينِكَ وَالْمَانِعِ مِنْ أَنْ تَتَّبِعَ أَهْوَاءَ نَفْسِكَ أَوْ نَاخُذِيَارَاتِنَا فَهَذَاكَ»^۲

راهنمایی فرما ما را به راه راست و توفیق مرحمت فرما به ملازمت حق که کشاننده باشد و ما را به محبت و دوستی تو و رساننده باشد ما را به بهشت و حفظ کننده باشد ما را از پیروی کردن میل و هوای نفس که در نتیجه پیروی نفس، انسان به هلاکت می‌افتد یا اینکه در اثر عمل کردن به اراده و میل خود هلاک می‌شود.

ائمه اطهار علیهم‌السلام راه رسیدن به سوی خدا هستند تنها شناخت و معرفت نسبت به خدا جامع و کامل است و تحقق بندگی خداوند به وسیله ایشان است.

۱. انصاریان، حسین، اهل بیت علیهم‌السلام عرشیان فرش نشین، ص ۱۳۷

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا، ترجمه غفاری ج ۱ ص ۳۰۵



امام باقر علیه السلام فرموده اند: «يَتَاعِبِدَ اللَّهُ وَيَتَأَعْرِفَ اللَّهَ...»^۱

به وسیله ما خدا بندگی شده و به وسیله ما خدا شناخته شده.

آنان طریق بندگی خداوند و راه رسیدن به حق و حقیقت هستند که باید به آنها رجوع و دین و معارف را از آنان دریافت نمود و همچنین برای امر تربیت فرزند که از مهم ترین مسائل زندگی است از آنان مدد و یاری جست و فرزند را محبّ و دوستدار ایشان نمود.

تنها این مسیر، صراط مستقیم است که با هدایت و راهنمایی این ذوات مقدسه انسان به رضا و قرب خداوند نائل می گردد و قدم نهادن در هر راه دیگری بیراهه و سرابی بیش نیست.^۲

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «...مَنْ الطَّرِيقُ وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ...»^۳

ما راه واقعی و صراط مستقیم به سوی خدایم.

خود آن بزرگواران به ما می گویند از خدا بخواهید شما را به محبّت پیامبر اکرم و اهل بیتش علیهم السلام راهنمایی نماید.^۴

بنابراین تنها راه رسیدن به بندگی و رضا و قرب الهی راهی است که خداوند خود تأیید و معرفی نموده و آن راه مستقیم، محبّت اهل بیت علیهم السلام می باشد.

۴-۵-۳- تحفه‌ی گرانقدر

امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان فرمودند:

خداوند حبّ ما اهل بیت را که در خزینه‌هایی زیر عرش خدا است، از آسمان نازل می کند. که این‌ها مانند گنجینه‌های طلا و نقره هستند و آن را به اندازه نازل می کند و جز به بهترین خلأ نقش

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱ ص ۱۴۵

۲. انصاریان، حسین، اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین، ص ۱۴۰

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۶ ص ۲۴۸

۴. «فِي قَوْلِهِ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ قَالَ قَوْلُوا مَعَاشِرَ الْعِبَادِ ارْشِدُنَا إِلَى حَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»، همان، ج ۲۴ ص ۱۶



این روزی را نمی‌دهد. خداوند یک ابری دارد همانند آن ابری که باران فرو می‌ریزد. هرگاه خدا اراده فرماید به آن مخلوقی که او را دوست دارد یک عطای ویژه بدهد، به این ابری که محبت اهل بیت علیهم‌السلام را فرو می‌ریزد، اجازه می‌دهد که ببارد و این ابر می‌بارد، همان‌طور که ابر آسمان می‌بارد. آن وقت این باران به جنینی که در شکم مادر است، هم می‌رسد.^۱

محبت اهل بیت علیهم‌السلام این قدر ارزشمند است که همچون گنجینه‌های طلا و نقره است. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند، خداوند محبت اهل بیت علیهم‌السلام را به اندازه نازل می‌کند. هر کس یک روزی‌ای دارد. همان‌طور که انسان‌ها از نظر مالی و مادی روزی‌شان متفاوت است، در محبت اهل بیت علیهم‌السلام هم روزی‌شان متفاوت است.

بر طبق این حدیث اگر کسی دید در دلش محبت اهل بیت علیهم‌السلام را دارد باید خیلی خوشحال باشد. چون مورد محبت خدا قرار گرفته که این را به او داده است.

این فرمایش امام صادق علیه‌السلام مثال و تشبیه نیست، واقعیت است. ما فقط یک ابر حسی را می‌شناسیم که آن را با چشم می‌بینیم. ابر دیگری هم هست که هر چند با چشم سر دیده نمی‌شود اما فرموده‌اند چنین ابری وجود دارد. ابری که برای ما محسوس نیست.

در آخر این حدیث ذکر شده که این باران به جنینی که در شکم مادر است، هم می‌رسد.

یعنی خدا محبت اهل بیت علیهم‌السلام را حتی از دوران جنینی و در شکم مادر به آن‌هایی که دوستشان دارد می‌دهد.

۱. «بِأَبْنِ التَّغْمَانِ إِنَّ حَبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ يُنْزِلُهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ حَزَائِنِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَحَزَائِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ لَا يُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ وَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا خَيْرَ الْخَلْقِ وَ إِنَّ لَهُ عِمَامَةَ كَعِمَامَةِ الْفَطْرِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُخَصَّ بِهِ مِنْ أَحَبِّ مَنْ خَلَقَهُ أَدْنَى لَيْلِكَ الْعِمَامَةَ فَتَهَطَّلَتْ كَمَا تَهَطَّلَتِ السَّحَابُ فَتُصِيبُ الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۱۳



۵-۵-۳. الهام شدن محبت

سرمایه بزرگ و مفیدرهربان، نفوذ آنها در قلوب مردم است که سبب محبوبیت آنها می‌شود. این سرمایه‌ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که همسر و فرزند شیرخوارش، حضرت اسماعیل، را به دستور خداوند به سرزمین خشک و سوزان مکه می‌آورد، و آنها را بدون زاد و توشه کافی در کنار خانه خدا، کعبه مقدّس می‌گذارد، دست به دعا برمی‌دارد و برای آنها چنین دعا می‌کند:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ)^۱

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ (پروردگارا) تو دل‌های گروهی از مردم را متوجّه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنها شکر تو را به جای آورند!

حضرت ابراهیم علیه السلام چون می‌داند نفوذ در دل‌ها مهمترین سرمایه است، لهذا از خداوند می‌خواهد که محبت خانواده‌اش را در دل مردم قرار دهد. عشق و محبتی که از زمان ابراهیم خلیل و با دعای آن حضرت شروع شد و تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ادامه پیدا کرد.

این محبوبیت را خداوند، نتیجه ایمان و عمل صالح برشمرده است. به تعبیری در این آیه شریفه میان ایمان و عمل صالح از یک سو و نفوذ در قلوب مردم از سوی دیگر ارتباط برقرار است. عمل صالح جاذبه دارد و حتی انسان‌های ناصالح را به خود جذب می‌کند. بنابراین جاذبه ایمان و عمل صالح است که باعث نفوذ در قلب‌ها می‌شود.

این آیه شریفه در مورد حضرت علی علیه السلام نازل شده است و منظور از «وَمَدَّ» محبت و نفوذ در

۱. ابراهیم / ۳۷



قلب مؤمنین است و طبق روایات مصداق اکمل این پیوند، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱ به جهت نتایج فراوانی که محبت دارد خداوند می فرماید به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله محبت و مودت بورزید و شرایط این محبت ورزیدن را فراهم کرده، از جمله اینکه محبت آنها را در دلها و جانها نهاده است. در روایت آمده است:

خیشمه می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم حضرت فرمودند:

« ای خیشمه حب ما اهل بیت در دل های شیعیان ما القاء می شود و محبت ما به آنها الهام می گردد، ما را دوست می دارند و فضائل ما را تحمل می کنند، در حالیکه نه ما را دیده اند و نه کلام ما را شنیده اند. این برکات از آن رو است که خداوند اراده کرده است که به آنان خیر برساند... »^۲

محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام عهدی است که خداوند در قلوب مؤمنین و بهترین مخلوقاتش نهاده است و از جمله وظایف تربیتی این است که این محبت را بالفعل نمایند و با تربیت فرزند بر مبنای محبت اهل بیت علیهم السلام به این عهد الهی عمل شود.

۶-۵-۳- محبت، نعمت الهی

نعمت به هر چیزی که سازگار آدمی است و انسان از آن لذت می برد، اطلاق می گردد.^۳ خداوند متعال نعمت های بی شماری به بندگان عطا فرموده است. طبق آیات قرآن برخی از آنها نعمت های ظاهری و برخی باطنی است.

(أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً)^۴

«نعمتهای خود را، چه نعمتهای ظاهری و چه نعمتهای باطنی، بر شما گسترده و افزون ساخته است»

۱. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت، ص ۳۷۳-۳۷۹

۲. « يَا خَيْمَةَ إِنَّ شِيعَتَنَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِهِمُ الْحُبَّ لَنَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ وَ يُلْهَمُونَ حُبَّنَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَ يُحْتَمِلُ مَا يَأْتِيهِ مِنْ فَضْلِنَا وَ لَمْ يَرْنَا وَ لَمْ يَسْمَعْ كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ ». مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۱۵۱

۳. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶ ص ۳۴۳

۴. لقمان / ۲۰



«بعضی از مفسرین، نعمت "ظاهر" را نیز اعضای ظاهر و نعمت "باطن" را قلب شمرده‌اند. بعضی دیگر نعمت "ظاهر" را زیبایی صورت و قامت راست و سلامت اعضا و نعمت "باطن" را معرفت الله^۱ دانسته‌اند.»

در تفسیر مجمع البیان و البرهان روایاتی ذکر شده است که نعمت باطنی را ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با آنها فرموده‌اند.^۲

جابر گفت: مردی خدمت حضرت باقر علیه السلام این آیه را خواند: **وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً** فرمود: اما نعمت ظاهری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آنچه برای مردم از معرفت خدا و توحید آورده اما نعمت باطنی ولایت ما خانواده و پیوند محبت با ما است...^۳

نعمت پنهان، ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با آنان است و در سایر آیات قرآن کریم نیز از این نعمت یاد شده است. خداوند نیز پس از ابلاغ ولایت و وصایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر آیه فوق را نازل فرمود:

(...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...)^۴

خداوند در این آیه از ولایت حضرت علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام با عنوان نعمت یاد نموده است. نعمت وجود این ذوات مقدسه برترین نعمت الهی است که خداوند در اختیار بندگان قرار داده است چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«(قُلْتُ سَأَلْتُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) قَالَ لَحْنُ النَّعِيمِ»^۵

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷ ص ۶۲

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲۱ ص ۲۴۱

۳. حسینی بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴ ص ۳۷۶؛ بحار الانوار ج ۲۴ ص ۵۲ ح ۷؛ تفسیر قمی، ج ۲ ص ۱۶۵.

۴. مائده / ۳

۵. تکوین / ۸

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۲.



سپس در آن روز همه شما از نعمتهایی که داشته‌اید سؤال خواهید شد گفت ما نعمت هستیم. "ابوحنیفه" از "امام صادق" علیه السلام در باره تفسیر این آیه سؤال کرد، امام علیه السلام سؤال را به او برگرداند و فرمود: "نعیم به عقیده تو چیست؟" عرض کرد: غذا است و طعام و آب خنک، فرمود: اگر خدا بخواهد تو را روز قیامت در پیشگاهش نگاهدارد تا از هر لقمه‌ای که خورده‌ای، و هر جرعه‌ای که نوشیده‌ای، از تو سؤال کند باید بسیار در آنجا بایستی! عرض کرد: "پس نعیم چیست؟" فرمود: "ما اهل بیت هستیم که خداوند به وجود ما به بندگانش نعمت داده، و میان آنها بعد از اختلاف الفت بخشیده، دل‌های آنان را به وسیله ما به هم پیوند داده، و برادر خود ساخته، بعد از آنکه دشمن یکدیگر بودند، و به وسیله ما آنها را به اسلام هدایت کرده" ... آری نعیم همان پیامبر و خاندان او است^۱

نعمتی که خداوند به انسان ارزانی می‌کند وظیفه و حقوقی درازای عطای نعمت بر بندگان است. یکی از مصادیق این حقوق، شکر آن نعمت می‌باشد. شکر، شناختِ نعمت از جانب منعم، شاد شدن به آن نعمت (خشنودی از منعم) و عمل کردن به مقتضای آن شادی و خشنودی، ثنای منعم و بکاربردن نعمت در راه اطاعت منعم است.

لذا یکی از مصادیق شکرگذاری نعمت ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام این است که این موهبت الهی، مبنای تربیت قرار داده شود و حق این نعمت، در راستای اطاعت خداوند متعال ادا شود.

۷-۵-۳- ارزش پایدار و شایسته

از دیدگاه قرآن، ارزش‌های درونی مانند ایمان، تقوا، اخلاص و ... به عنوان هویت مطلوب محسوب می‌گردند.^۲ محبت اهل بیت علیهم السلام نیز یکی از ارزش‌های درونی است که به فرد هویت مطلوب می‌دهد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۷ به نقل از مجمع البیان ج ۱۰ ص ۵۵
 ۲. مشکاتی، حسن، مبانی اصول و روش‌های تعلیم و تربیت، ص ۱۳.



(الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا)^۱

«مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند، و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است.»

"باقیات الصالحات یعنی ارزشهای پایدار و شایسته، نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امیدبخش تر است. گر چه جمعی از مفسران خواسته‌اند مفهوم باقیات الصالحات را در دایره خاصی مانند نمازهای پنجگانه، یا ذکر «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر»، و امثال آن محدود کنند ولی روشن است که مفهوم این تعبیر آن چنان وسیع و گسترده است که هر فکر و ایده و گفتار و کردار صالح و شایسته‌ای که طبعاً باقی می‌ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می‌گیرد شامل می‌شود.

یکی از مصادیق بارز باقیات و صالحات در روایات، مودت اهل بیت علیهم‌السلام است. در

روایتی امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «... لَا تَسْتَصْغِرْ مَوَدَّتَنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ...»^۲

دوستی ما را کوچک مشمار که از باقیات و صالحات است.

لذا فرزندان، مهم‌ترین سرمایه‌ی زندگی و حیات دنیایی انسان، اگر بر مبنای محبت اهل بیت علیهم‌السلام تربیت شود که آنان مصداق باقیات الصالحات هستند، مسیر زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام را انتخاب نموده، در آن قدم می‌گذارند و ارزشهای پایدار و شایسته را کسب می‌نمایند. فرزندانی که بر این مبنا تربیت شوند آنها نیز از مصادیق باقیات الصالحات خواهند شد.

۱. کهف/۴۶

۲. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲ صص ۴۴۶-۴۴۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۴.



۶-۳- اهداف تربیت دینی^۱

۱-۶-۳- سعادت‌مندی و خوشبختی

فرزند برای مصون ماندن از آسیب‌ها نیازمند تربیتی است که به راه راست هدایت شده و موجبات سعادت او فراهم شود. سعادت‌مندی‌ای که سبب نجات از هلاکت و گمراهی است در گرو محبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. امام هادی علیه‌السلام در زیارت جامعه که یک دوره کامل و جامع امام شناسی است اینگونه می‌فرماید: «سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ»^۲ حضرت فاطمه سأله‌السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «... أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ»^۳

سعادت‌مند کامل کسی است که علی علیه‌السلام را دوست دارد در زندگی او و پس از مرگش و شقی تمام کسی است که علی را در زندگی و مردگی دشمن دارد. به همین منظور لازم و شایسته است برای کسب سعادت که گرانباترین سرمایه است، فرزند را محب و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام تربیت نمود.

۲-۶-۳- زیست برای خدا (تقرب)

محبت اهل بیت علیهم‌السلام صراط مستقیمی است که حرکت در آن انسان را به مقام قرب و لقای حق دست یافتن به فوز عظیم و رهایی از عذاب جاودانه می‌رساند. ایجاد پیوند قلبی و عاطفی میان فرزند و اهل بیت علیهم‌السلام باعث می‌شود، فرزند دست در دست آنان نهاده، به دستورات و معارف آنان روی آورد و در مکتب سعادت بخش آنان شاگردی کند و در اعمال و رفتار و تمام شئون زندگی

۱. اهداف تربیت دینی: الف) اهداف غایی: ۱. سعادت‌مندی و خوشبختی ۲. زیست برای خدا (تقرب)، ب) اهداف واسطه‌ای یا مرحله‌ای: شناخت خداوند (ج) اهداف رفتاری: ۱. واجد حسن عمل شدن ۲. رشد در ابعاد مختلف انسانی.

۲. صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۶۱۳

۳. همان، الامالی، ص ۱۸۲



به آنان اقتدا نماید. و این راهی است که منجر به تقرب الهی می‌گردد.

۳-۶-۳- شناخت خداوند

ائمه اطهار علیهم‌السلام راه رسیدن به سوی خدا هستند. شناخت و معرفت جامع و کامل نسبت به خدا و تحقق بندگی خداوند به وسیله ایشان است.

امام باقر علیه‌السلام: «بِنَاعِدِ اللّٰهَ وَبِنَا عُرِفَ اللّٰهُ»^۱

به وسیله ما خدا بندگی شده و به وسیله ما خدا شناخته شده.

در تربیت دینی فرزندان، اهل بیت علیهم‌السلام را برگزیده‌های الهی و باب خداوند می‌داند و با توجه به فرمایشات آنان خداشناس می‌گردد و عقاید توحیدی خود را بنا خواهد نهاد.

۳-۶-۴- واجد حسن عمل شدن

بر طبق آیه ۲ سوره ملک (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْغَفُورُ)^۲ یکی از اهداف آفرینش مرگ و حیات، آزمایش است و «آزمایش از ستهای دائمی و کلی الهی و در واقع نوعی پرورش و تربیت یعنی شکوفا کردن استعدادهای نهفته و در نتیجه پرورش بندگان است»^۳. و در ادامه آیه هدف این آزمون بزرگ الهی، واجد شدن حسن عمل ذکر شده است نه کثرت عمل و این حاکی از این است که اسلام به کیفیت اهمیّت می‌دهد نه کمیّت.^۴

هنگامی که دل متوجه خدا و اولیاء خدا باشد اعمال نیکو از آن سر می‌زند.^۵

در اینکه منظور از "أَحْسَنُ عَمَلًا" چیست، در بعضی از روایات اسلامی از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ ص ۱۴۵

۲. ملک/ ۲

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۵۲۷ ذیل آیه ۱۵۵

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲ ص ۳۱۷

۵. دستغیب، سید عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری، ص ۶۱



نقل شده که فرمودند:

«اتمکم عقلا، واشدکم لله خوفا، واحسنکم فیما امر الله به ونهی عنه نظرا، وان کان اقلکم تطوعا»
منظور این است که کدامیک از شما عقل و خرد کامل تر، و خدا ترسی بیشتر، و آگاهی فزونتر
بر اوامر و نواهی الهی دارید، هر چند اعمال مستحبتان کمتر بوده باشد.^۱

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«لَیسَ یَعْنَى أَكْثَرُ عَمَلًا، وَلَکِنْ أَصَوَّبُكُمْ عَمَلًا، وَإِنَّمَا الْأَصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَالنِّيَّةُ الصَّادِقَةُ، ثُمَّ قَالَ
الإِبْقَاءَ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلَصَ...»

منظور این نیست کدامیک بیشتر عمل می کنید، بلکه منظور این است کدامیک صحیح تر عمل
می کنید، و عمل صحیح آن است که توأم با خداپرستی و نیت پاک باشد.^۲

اهل بیت علیهم السلام نمونه انسانهای کامل و مصداق اتم و اکمل "أَحْسَنُ عَمَلًا" می باشند، بنابراین اگر
فرزند محب و دلبسته آنان شود، در سایه این محبت قدم به قدم به دنبال این بزرگواران عمل
نموده و اعمال او نیز از حسن عمل برخوردار می شود.

۵-۶-۳- رشد در ابعاد مختلف انسانی

دستورات اهل بیت علیهم السلام در تمام ابعاد وجودی انسان، منجر به رشد وی می گردد. محب
اهل بیت علیهم السلام با پیروی از آنان و عمل به دستورات و فرمایشات امامان معصوم علیهم السلام این گوهای
برگزیده الهی، ابعاد مختلف وجود انسانی خویش را در جهت صحیح رشد خواهد داد.

ابعاد مختلف انسانی عبارتند از: جسمی یا زیستی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فطری،
عاطفی، اخلاقی - تربیتی، علمی - آموزشی، فکری - عقلی، روحی - روانی.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۰ ص ۳۲۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴ ص ۳۱۷ به نقل از تفسیر "صافی" ذیل آیات مورد بحث.



۷-۳- نتایج تربیت دینی

۱-۷-۳- نیک رفتاری

فرزند با محبت و ولایت نسبت به اهل بیت علیهم السلام، واجد حسن رفتار می شود و اعمال شایسته انجام می دهد، چون محبوبان او این گونه عمل می نمایند. بنابراین انگیزه صحیح زندگی کردن در فرد بوجود می آید.

۲-۷-۳- جلوگیری از لغزش و گناه

منشأ بروز ناهنجاریهای فردی و اجتماعی، فقدان و عدم تربیت صحیح و شایسته است. در مکتب اسلام برای جلوگیری از بروز ناهنجاریها، علاوه بر کنترل کننده های بیرونی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، قصاص، حد، دیه و... توجه بیشتر به کنترل درونی است. بدین معنی که فرزند به گونه ای تربیت شود که از وجود مانع درونی برخوردار باشد و حتی در نبود ناظر بیرونی مرتکب خطا نشود. محبت اهل بیت علیهم السلام یکی از عوامل مهمی است که مانع ناهنجاریها و اعمال ناشایست می شود. محب اهل بیت علیهم السلام سعی و تلاش خود را مبتنی بر جلب رضایت محبوب قرار می دهد و دست به ارتکاب عمل ناپسند نمی زند. بنابراین اگر اهل بیت علیهم السلام نزد فرزند محبوب شوند، از مبتلا شدن و بروز ناهنجاریها جلوگیری می شود.

۳-۷-۳- قرار گرفتن در مسیر زیست طولی

یکی از عمده ترین و مهم ترین فواید تربیت دینی، قرار گرفتن فرزند در مسیر زیست طولی و هم چنین طول هستی و دنیا را در نظر گرفتن و منتظر آخرین حجت خدا و ذخیره الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بودن، می باشد.

می توان گفت زیست طولی عبارت است از: تولد، سپری شدن دوران نوزادی، طفولیت،



کودکی، نوجوانی، میانسالی، پیری، مرگ و مراحل پس از آن.^۱

۴-۷-۳- الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام

الگوگیری یکی از مهم ترین مسائل تربیتی در اسلام است. الگوگیری از دیگران نقش اساسی در شکل گیری شخصیت انسان، سعادت یا شقاوت او دارد و هدف از الگوگیری جبران کاستی ها و یافتن راه تکامل و دستیابی به سعادت و موفقیت است.

محبت و دوست داشتن به قلب و دل انسان مربوط می شود و الگوپذیری ناشی از محبت در اعمال و رفتار فرد بروز یافته و جلوه می کند. بنابراین می توان گفت رفتار و اعمال انسان تابع قلب اوست و فرمان قلب ناشی از توجه و علاقه است. هنگامی که دل متوجه خدا و اولیاء خدا باشد اعمال نیکو از آن سر می زند.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»^۳

آدمی با کسی است که مورد محبت او می باشد.

در تربیت دینی فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام را به عنوان الگو و اسوه بر می گزینند و نسبت به آنان علاقه و محبت داشته و محبوب وی می گردند و از آنان اطاعت می نمایند.

هر قدر محبت و ارتباط قلبی بیشتر باشد، هم رنگی و همراهی و یا به تعبیری مشاکلت بیشتر خواهد شد. نقش محبت در ایجاد همسانی، همفکری و هم سوئی بسیار عظیم است و به طور کلی انسان ها از چهره های محبوبشان الگو و سرمشق می گیرند.

نتیجه حب، منعکس شدن کمالات و صفات آنان در آینه قلب، تا جائی که محبت نسخه ای از

۱. مشکاتی، حسن، مبانی، اصول و روش های تعلیم و تربیت، ص ۱۰

۲. دستغیب، سید عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۶۱

۳. صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۱۸۵



محبوب می‌گردد.^۱ بنابراین در تربیت دینی فرد در عقاید و اخلاق و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان الگو برمی‌گزیند.

الف) در عقاید: فرزند محب اهل بیت علیهم‌السلام عقاید آنان را ملاک و مبنای عقاید خویش قرار می‌دهد. واجد اندیشه صحیح می‌شود و اندیشه‌های باطل در فکر و جان وی تأثیرگذار نمی‌باشند و از آفات فکری و عقاید خرافه و باطل مصون می‌ماند.

ب) در اخلاق: (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...)^۲

محبت و محبوبیت، مشاکلت و همسانی به همراه دارد. با محبوب شدن اهل بیت علیهم‌السلام نزد فرزند، وی سعی می‌نماید در خلق و خو و رفتار با محبوب خویش همانند سازی نماید. بنابراین اهل بیت علیهم‌السلام با دارا بودن مقام عصمت، مصداق اتم و اکمل انسان کامل می‌باشند و اخلاقیات و رفتار آن‌ها در سیره و احادیث و روایات، ملاک و معیار برای محبتان و دوستداران آن‌ها قرار می‌گیرد. فرد محب، در این راستا تمام همّت خویش را معطوف به کسب فضایل و رفع رذایل می‌نماید. و از سوی دیگر با الگوگیری از ائمه اطهار علیهم‌السلام واجد حسن رفتار می‌گردد.

۵-۷-۳- دینداری

در سایه محبت به اهل بیت علیهم‌السلام فرزند با تبعیت و پیروی از آنان و به منظور جلب رضایت محبوب، فرائض، واجبات و محرمات را رعایت و به آن‌ها پایبند می‌گردد. در این صورت فردی متدین خواهد شد.

۱. دستغیب، سید عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها‌السلام، ص ۱۳۰

۲. بقره/ ۱۳۸

فصل دوم

گام اول تربیت دینی: ایجاد تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام با روش های تربیتی

گام اول تربیت دینی: ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام با روش های تربیتی

۱- روش های تربیت دینی

پس از آگاهی از چرایی، ویژگی ها، اهداف و نتایج تربیت دینی، اتخاذ روش های تربیتی در جهت تحقق این امر مهم، ضرورت می یابد. در این فصل کاربرد برخی از روش های تربیتی برای ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام که گام اول تربیت دینی است، ذکر می شود.

روش های تربیتی عبارتند از:

زمینه سازی، اعطای بینش، اسوه سازی، آراستن ظاهر، تزیین کلام، ارزش گذاری، ایجاد ارتباط و جو عاطفی، ترغیب، ابراز توانایی ها، یادآوری نعمت ها، فریضه سازی (عمل به واجبات)، مواجهه با نتایج اعمال.

۱-۱- زمینه سازی

اعمالی که انسان مرتکب می شود بستگی دارد به شرایط و موقعیت هایی که برای آن فراهم می گردد. برطبق این روش باید شرایطی مهیا شود که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می برد،^۱ از این رو لازم است برای ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام شرایط مطلوبی فراهم شود و از برقراری پیوند عاطفی با افراد نامناسب جلوگیری به عمل آید.

هرآنچه (چیزی یا کسی) برای انسان مطلوب و خوشایند واقع شود، علاقه مندی و محبوبیت به

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۶.



دنبال دارد. بنابراین برای محبت اهل بیت علیهم السلام نیز بنابر قضیه شرطیه پاولف به گونه‌ای عمل شود که زمینه ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام توسط والدین فراهم آید و هر آنچه مربوط به آنها می‌شود اعم از نام، یاد، مراسم، مجالس و... برای فرزند خوشایند و خاطره‌ای خوش نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام در ذهن فرزند بر جای بگذارد.

به همین مناسبت می‌توان از راهکارهای زیر برای زمینه‌سازی ایجاد این محبت استفاده نمود:

۱-۱-۱- برپائی مراسم و شعائر اسلامی

یکی از راه‌های انتقال فرهنگ دینی و ولائی، ایجاد علقه‌های ولائی از طریق زمینه‌سازی، آشنا نمودن فرزند با شعائر دینی، شرکت و برپائی مراسم و شعائر ولائی می‌باشد.^۱ اهل بیت علیهم السلام نیز به برپائی مراسم و شعائر دینی اهتمام می‌ورزیدند و به شیعیان هم توصیه نموده‌اند. مراسم جشن و سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام و سایر مراسم و شعائر اسلامی و ولائی و نحوه‌ی برخورد والدین در دل و روح فرزند تأثیرگذار است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ فِينَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا»^۲

بدرستی خدا که بلند مرتبه است متوجه زمین شد پس برگزیده ما را و برگزیده از برای ما پیروانی که یاری می‌کنند ما را و شاد می‌شوند از برای شادی ما و اندوهگین می‌شوند بسبب اندوه ما، و می‌دهند جانهای خود را و مالهای خود را در راه ما، پس ایشان از ما هستند و بسوی ما می‌آیند و ایشان با ما در بهشت خواهند بود.

۱. مروّجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۰۵

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۱۱۷



امام صادق علیه السلام: «رَحِمَ اللهُ شِيعَتَنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طَيْبَتِنَا وَعَجَّوْا بِمَاءِ وَايْتِنَا يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا»^۱

خدا رحمت کند شیعیان ما را که از زیادی گل ما بوجود آمده و با آب محبت ما خمیر شده‌اند، در غم ما غمگین و در شادی ما شادمانند.

شرکت در مراسم غم و شادی اشخاص و ایجاد حس هم‌دردی، قرابت و نزدیکی، نهایتاً منجر به ایجاد علاقه و محبت می‌شود. یکی از راه‌های انتقال فرهنگ دینی و ایجاد و غلقه‌های ولائی و برگزیدن آنان به عنوان اسوه، آشنا ساختن فرزند با شعائر ولائی، شرکت و برپائی مراسم جشن و سوگواری خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد.^۲

بنابراین شرکت در جشن میلاد ائمه اطهار علیهم السلام و شاد نمودن فرزند در ایام شادی آنان و اظهار حزن و اندوه در مناسبت‌هایی همچون ایام عاشورا و شهادت آن بزرگواران که همان برانگیختن عواطف و احساس هم‌دردی است سبب ایجاد محبت به آن بزرگواران می‌گردد.

اهل بیت علیهم السلام به برپائی این مراسم و شعائر اهتمام می‌ورزیدند و به شیعیان نیز توصیه می‌نمودند. شرکت در این مراسم در فکر و روح نیز تأثیرگذار می‌باشد. بعضی از این مراسم و اعیاد که به آنها اهتمام ویژه ورزیده و مورد توجه حضرات معصومین علیهم السلام بوده به قرار زیر می‌باشد:

الف. بزرگداشت عید غدیر

اعیاد هر ملت، روزی برای احیاء شعائر آنان و تجدید عهد و یادآوری روزهای سرنوشت‌ساز و مهم آنهاست.

عید غدیر با عنوان عید ولایت، مهم‌ترین عید امت اسلام و از اهمیت خاصی در زمین و آسمان برخوردار است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی است که خداوند آن را برای شیعیان و

۱. صابری‌یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره، ص ۴۶۸

۲. حسینی زاده، سیدعلی، تربیت دینی سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۰۵



محبین اهل بیت عید قرار داده است.^۱

همچنین امام هادی علیه السلام می فرماید:

روز غدیر روز عید است و افضل اعیاد نزد اهل بیت و محبین ایشان بشمار می آید.^۲

عید گرفتن روز غدیر از همان سال حجةالوداع در بیابان غدیر پس از اتمام سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شد و سه روز به طول انجامد و به پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی رضی الله عنه تبریک گفتند و با آنها بیعت نمودند. امامان معصوم علیهم السلام نیز به تاسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این روز را جشن می گرفتند. امیرالمؤمنین رضی الله عنه روز غدیری را که با جمعه مقارن شده بود جشن گرفتند و در خطبه ای به همین مناسبت، مطالب مفصلی درباره غدیر و عید گرفتن آن فرمودند.^۳ همچنین امام رضا رضی الله عنه در روز غدیری روزه گرفتند و برای افطار عده ای را دعوت نمودند و برای آنان سخنان مفصلی درباره غدیر فرمودند و به منازل آنان هدایایی فرستادند.^۴

علاوه بر جشن گرفتن در این روز، روزه گرفتن، افطاری و هدیه دادن، موارد دیگری مانند لباس نو پوشیدن، دیدار مؤمنان، توسعه بر خانواده و برادران، عقد اخوت و برادری اعمالی بوده که اهل بیت علیهم السلام در این روز انجام می دادند و به انجام آنها سفارش می نمودند. لازم به ذکر است که در این روز اعمال عبادی نظیر حمد و سپاس الهی، نماز و زیارت، دعا و تجدید عهد و پیمان نیز ذکر شده است. انجام این اعمال در این روز موجبات جذب و محبوبیت ائمه اطهار علیهم السلام نزد فرزند را فراهم می آورد.

۱. بحرانی، نورالله، عوالم العلوم، ج ۳/۱۵ ص ۲۱۳

۲. همان، ص ۲۲۱

۳. بحرانی، نورالله، عوالم العلوم، ج ۳/۱۵ ص ۲۰۹

۴. همان، ص ۲۰۹



ب. بزرگداشت قیام عاشورا

یکی از مهم‌ترین شعائر اسلامی برپایی مراسم سوگواری سالار شهیدان امام حسین علیه السلام و فرزندان و یاران با وفای ایشان می‌باشد که حضور در این مجالس و شنیدن حوادث آن ایام احساسات و عواطف فرزند را بر می‌انگیزاند و سبب شعله‌ور شدن این علاقه و محبت می‌گردد.^۱ علاوه بر این زنده نگه داشتن ایام عاشورا با برپایی مراسم روضه و مرثیه خوانی سبب می‌گردد، مکتب عاشورا به صورت مکتب تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند.^۲

مطالبی که در مجالس عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام بیان می‌شود به دلیل اینکه محور مباحث بر بیان معارف دینی، ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام، زندگی و راه و رسم آن بزرگواران و بیان اهداف آنان می‌باشد، سبب ارتباط فکری و افزایش آگاهی و معرفت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام می‌گردد و علاوه بر آن ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام عواطف و احساسات را بر می‌انگیزد و سبب ارتباط عاطفی و پیوند قلبی و حرکت فرزند در مسیر اهداف و ارزش‌های آنان می‌شود.

بنابراین شرکت در مجالس اهل بیت علیهم السلام و گریه بر آنان افزون بر جنبه تربیتی از موارد مهمی است که اهل بیت علیهم السلام نزد فرزند محبوب می‌شوند. چنان‌که شهید مطهری می‌فرماید: «گریه بر شهید، شرکت در حماسه او، هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت او است؛ این گریه‌ها است که نهضت امام حسین را در اعماق جان مردم رسوخ می‌دهد».^۳

ج. جشن میلاد امام زمان علیه السلام

برگزاری و شرکت در جشن میلاد امام زمان علیه السلام که گرچه غایب از دیدگان ما هستند اما حضور داشته و زنده و حاضر و ناظر بر اعمال ما می‌باشند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این

۱. حسینی زاده، سیدعلی، تربیت دینی سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۰۶

۲. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۳ ص ۹۱

۳. همان، قیام و انقلاب مهدی، ص ۱۰۸ و ۱۲۲



نیز سبب ایجاد رابطه و علاقه به امام زمان علیه السلام می گردد. البته آشنائی با امام زمان علیه السلام و ایجاد محبت ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و نیازمند ذکر موارد جداگانه ای می باشد که با در نظر گرفتن عصر غیبت و تربیت فرزندان منتظر امر ظهور و فرج ایشان اقدامات تربیتی متناسب با این زمان باید بررسی و تدوین و به کار گرفته شود.

علاوه بر موارد ذکر شده میلاد سایر ائمه علیهم السلام و مناسبت های شادی آفرین مرتبط با امامان معصوم علیهم السلام زمینه های ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام را فراهم می آورد.

۲-۱-۱- زیارات

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الزِّيَارَةُ تُسَبِّطُ الْمَوَدَّةَ وَقَالَ زُرْ غَبَاتَ تَزِدُّ حُبًّا»^۱

زیارت (دیدار) دوستی آور است نوبت به نوبت دیدار کن تا دوستی را فزون کنی.

زیارت به معنی قصد و توجه است و در عرف منظور از زیارت آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی می آورد.^۲

قرب و نزدیکی از ابزاری است که در ایجاد و افزایش محبت تأثیرگذار می باشد. با هر کسی که احساس نزدیکی بیشتر شود و یا از نظر مکانی و مادی هر کس به انسان نزدیکتر باشد منجر به علاقه مندی و محبت می شود. این نزدیکی و قرب در فرهنگ دینی و در ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام با عنوان زیارت بیان می شود. زیارت محبت آور است و این نزدیکی مادی و فیزیکی، قرابت روحی را به همراه دارد. بنابراین یکی از راه های ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم السلام زیارت حرم مطهر آنان می باشد.

در زیارت امامان معصوم علیهم السلام فرزند هم می تواند با بیانات خود به امامان عرض ارادت نماید و

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۱ ص ۳۵۵

۲. فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ص ۲۶۰.



توکی خویش را نسبت به آنان اعلام دارد و هم می‌تواند از زبان حضرات معصومین علیهم‌السلام ابراز احساسات نماید که اصطلاحاً گونه دوم را زیارات مأثور می‌نامند. زیارات مأثور علاوه بر آموزش کیفیت اظهار ارادت و ابراز توکی، فرزند را با منزلت و مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز آشنا می‌سازد. زیارت نامه‌های مأثور دو گونه می‌باشند:

۱. زیارت نامه‌های اختصاصی که مخصوص هر یک از ائمه علیهم‌السلام است و زائر به محضر آن امام سلام و اظهار ارادت می‌نماید. مانند زیارات امیرالمومنین علیه‌السلام در روز یکشنبه.

۲. زیارت نامه‌هایی که مضامین عام و محتوایی کلی دارد و همه امامان علیهم‌السلام را می‌توان مورد خطاب قرار داد. مانند زیارت امین‌الله، زیارت جامعه کبیره.^۱ البته زیارتی که شرایط به گونه‌ای فراهم شود که برای فرزند مطلوب و خوشایند جلوه نماید و بهترین خاطره‌ها از زیارت در ذهن فرزند برجای بماند.

حضور در حرم مطهر ائمه اطهار علیهم‌السلام و احساس قرابت با امام معصوم سبب پیوند ولایی و تحکیم روابط عاطفی می‌گردد و احادیث فراوانی که بر زیارت امامان سفارش نموده‌اند حاکی از تقویت این ارتباط می‌باشد.

تذکر نکاتی پیرامون زیارت و توجه ائمه اطهار علیهم‌السلام به زائران مانند اینکه او را می‌بینند، صدایش را می‌شنوند، سلامش را جواب می‌دهند، خواسته‌ها و حوائج او را می‌دانند و همچنین پاداش عظیمی که از زیارت امامان معصوم نصیب زائر می‌شود، بیان تمام این موارد در دل‌بستگی و محبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام حائز اهمیت است.

بیان شدت محبت و علاقه محبان اهل بیت علیهم‌السلام و شوق زیارت آنان که حتی در برهه‌ای از زمان که مشکلات و سختی‌هایی برای زیارت امامان علیهم‌السلام وجود داشت، حتی حاضر به از دست دادن

۱. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان: شرح زیارت جامعه کبیره، ج ۱ صص ۳۸-۳۷



جان خویش بودند، شنیدن این ماجراها در ایجاد و تقویت محبت به اهل بیت علیهم السلام مؤثر می باشد. لازم به ذکر می باشد که زیارت از تکالیف شیعیان نسبت به امامان علیهم السلام نیز می باشد. چنانکه امام رضا علیه السلام می فرماید: همانا برای هر امامی عهد و پیمانی به گردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه های وفای کامل به این عهد و پیمان، زیارت قبر امامان است، و نیکو ادا کردن حق ایشان، پس هر کس ایشان را زیارت کند از روی میل و رغبت در زیارت ایشان و از روی تصدیق کردن به آنچه ایشان خواستند البته آن کسان از کسانی باشند که امامان ایشان در روز قیامت شفیعیان آنان باشند.^۱

۳-۱-۱-۱-۱ دعا

یکی از راه های بوجود آمدن محبت، ارتباط فکری و پیوند عقلی با ائمه اطهار علیهم السلام از طریق خواندن دعاهای وارد شده از زبان آنان می باشد. خواندن و تفکر در فرازهای دعا باعث افزایش معرفت عقلی می شود و از طرفی دیگر سبب معرفت قلبی می گردد که معرفت قلبی مکمل معرفت عقلی است و این دو معرفت، تربیت دینی را ممکن می سازد. همچنین بخشی از تربیت دینی اختصاص به تربیت عبادی داشته که ذکر و دعا مشمول این تربیت می باشد.^۲

معمولاً مطالبی که نویسندگان می نویسند دربردارنده نوع عقیده، نگرش، ذهنیات، تعقلات و افکار او است. ادعیه ای که ائمه اطهار علیهم السلام انشاء فرموده اند نیز حاوی افکار و عقاید و اندیشه های آنان می باشد که از عقل، دل و برخوردارانی آنان از علم غیب نشأت گرفته است.

برقراری ارتباط فکری و پیوند عقلی از جمله مواردی است که سبب ایجاد علاقه و محبت بین دو شخص می گردد. همانگونه که میان خواننده و نویسنده از طریق مطالب نگاشته شده توسط نویسنده ارتباط ایجاد و این ارتباط منجر به علاقه می گردد، می توان بیان داشت که از طریق آشنائی

۱. «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي غُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْإِدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُنْمَتُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴ ص ۵۶۷.

۲. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ج ۲ ص ۱۲۸



فرزند با ادعیه و آموزش خواندن دعاها ارتباط فکری و هم‌فکری و در گام بعدی ارتباط عاطفی میان او و ائمه اطهار علیهم‌السلام ایجاد و تقویت خواهد شد.

لازم به ذکر است که مضامین دعاها دربردارنده مجموعه‌ای از معارف است و در ایجاد بصیرت نقش موثر دارد، افزون بر این مطلب، دعا، زمینه‌ساز تربیت درونی و تقویت و پرورش خصوصیات و خصلت‌های درونی نیکو (فضایل اخلاقی) می‌گردد و به عنوان بازدارنده در برابر انحرافات و گناهان و رفع صفات و حالات مذموم و نامطلوب (رذایل اخلاقی) است و یا به تعبیری خلاصه می‌توان بیان داشت دعا، عاملی مهم برای تهذیب و تزکیه می‌باشد.^۱

تشویق و ترغیب فرزند بر خواندن ادعیه به مناسبت‌های مختلف اگرچه در سنین کودکی الزامی نیست و ضرورت نمی‌یابد اما به منظور ایجاد انس و الفت با ائمه معصومین علیهم‌السلام و به تبع آن برای ایجاد نگاه مطلوب او به دعا و عقیده‌مندی وی به آنها زمینه‌ساز خوبی برای سنین بالاتر خواهد بود.

مانند دعای کمیل، دعای توسل، دعای عرفه، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای افتتاح، دعای مکارم‌الاخلاق، مناجات شعبانیه و ...

۴-۱-۱- توسل

بدون تردید انسان برای تحصیل کمالات مطلوب خویش، اعم از مادی و معنوی به غیر خود نیازمند است. انسان تشنه برای رفع تشنگی با نوشیدن آب سیراب می‌گردد. برای تعلیم و آموزش، به مدرسه و معلم مراجعه می‌شود و مواردی از این قبیل نشانگر این است که انسان همواره نیازمند توسل است که حوائج و خواسته‌هایش به تحقق پیوندد. بدیهی است انسان با برآورده شدن نیازهایش، به شادی و نشاط دست می‌یابد و آنچه در تحقق نیاز نقش مؤثر داشته برای آن مهم و

۱. مکارم شیرازی، ناصر، کلیات مفاتیح نوین، ص ۶۲-۶۱.



علاقمند به آن می شود.

"وسیله" در اصل به معنی تقرّب جستن و یا چیزی که باعث تقرّب به دیگری از روی علاقه و رغبت می شود، می باشد.^۱

مقصود از «توسّل» در فرهنگ شیعه، وسیله قرار دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان به عنوان برترین و محبوب ترین بندگان در پیشگاه الهی و واسطه قرار دادن آنان به منظور تقرّب به خداوند و طلب حاجت و خواسته ای است. توسل مورد سفارش قرآن و روایات اسلامی است:

خداوند متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)^۲

ای کسانی که ایمان آورده اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرّب به خدا انتخاب نمایید.

«تقربوا الیه بالامام» با امام به خدا تقرّب بجوئید.^۳

در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی، مسأله توسّل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است. مرحوم «علّامه مجلسی» فرموده است که در برخی از کتابهای معتبر آمده است، جناب «شیخ صدوق» این دعای توسّل را از ائمه علیهم السلام روایت کرده و گفته است: «این دعا را برای هر حاجتی که خواندم به زودی به اجابت رسید».^۴

بنابراین توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و واسطه قرار دادن آنها در پیشگاه الهی برای رسیدن به حوائج و برطرف شدن مشکلات و سختی ها، سبب ایجاد و تحکیم رابطه عاطفی گردیده و محبوبیت آنان نزد فرزند افزون می شود. لذا شرکت در مجالس توسل به ائمه اطهار علیهم السلام در ایجاد این محبت مؤثر می باشد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴ ص ۳۶۴

۲. مائده، ۳۵

۳. عبد علی بن جمعه، حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۶۲۷

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۷



۲-۱- روش اعطای بینش

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحُبُّ قَرَعُ الْمَعْرِفَةِ»^۱ محبت از فروعات معرفت می‌باشد.

تعقل و آگاهی از امتیازات ویژه انسان است که به وسیله نیروی عقل قادر است بر امور پیرامون خویش بینش و معرفت پیدا کند و در مورد دیگران و حتی سایر امور اینگونه است که تا نسبت به چیزی آگاهی و بینش نداشته باشد، بدان محبت نمی‌ورزد. بنابراین شناخت، اولین و مهم‌ترین اسباب محبت است. ارتباطی منجر به محبت می‌گردد که مبتنی بر شناخت باشد و چنین ارتباطی مستحکم و بادوام است.

برای ایجاد و تقویت محبت اهل‌بیت علیهم السلام یکی از روش‌های تربیتی کاربردی، روش اعطای بینش می‌باشد. برطبق فرمایش امام صادق علیه السلام در حدیث فوق، شناخت مقدمه محبت است. شناخت اهل‌بیت علیهم السلام یعنی تشکیل نگرش و عقیده امامت که منجر به محبت و در نهایت تبعیت می‌گردد به وسیله روش اعطای بینش تحقق می‌یابد.

محبت به اهل‌بیت علیهم السلام اگر پس از معرفت نسبت به مقام و جایگاه ایشان حاصل شود، هیچ‌گاه زایل نشده بلکه هر لحظه افزایش یافته و سعادت و رستگاری فرزند تضمین می‌شود.

روش اعطای بینش بر مبنای تأثیر باطن بر ظاهر از مبانی تربیت، استوار می‌باشد و نتیجه این روش دگرگونی باطنی فرد و اصلاح رفتار و اعمال فرد می‌باشد. در این روش سعی بر این است که آگاهی عمیق و گسترده‌ای از اهل‌بیت علیهم السلام به فرزند اعطا شود و در صورت وجود بینش می‌تواند ارتباط و پیوند برقرار و محبت به آنان ایجاد و تقویت می‌گردد و در نتیجه محبت به این بزرگواران اعمال و رفتار خویش را اصلاح می‌نماید.^۲

راهکارهایی که در تحقق اعطای بینش و عقیده به امامان معصوم علیهم السلام می‌توان از آنها استفاده

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷ ص ۲۲

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۷۵-۷۴



نمود به شرح زیر می باشد:

۱-۲-۱- تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام در عالم خلقت

با بیان احادیثی که تمام هستی به یمن وجود مبارک این بزرگواران آفریده شده است. مشهورترین حدیث که در میان شیعیان خواندن آن رایج است و با آن انس بیشتری داشته و بدان آشنا هستند، حدیث شریف کساء است که در قسمتی از این حدیث شریف خداوند متعال خطاب به ملائکه می فرماید:

«إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا، وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً، وَلَا فَلَكَائِي دُورًا، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فَلَكَائِي سُرَى، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِأَيِّ الْخَمْسَةِ، الَّذِينَ هُمُ تَحْتَ الْكِسَاءِ...»^۱

هم چنین عبارات زیارت جامعه کبیره مانند:

«... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَحْتَمِرُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْعَيْثَ... وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّانُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ...»^۲

در شأن و منزلت امامان معصوم علیهم السلام روایات بسیاری است از جمله روایاتی که به ذکر برتری ائمه اطهار علیهم السلام بر تمام خلایق بیان شده است، همچنین برگزیده بودن ایشان توسط خداوند برای مقام خلیفه الهی و شأن هدایت، شفاعت و سایر شئون این بزرگواران که در کتب کلامی با استفاده از احادیث ذکر شده است.

۱-۲-۲- ایجاد عقیده امامت با تبیین ضرورت، هدف و فلسفه آن

در سیره تربیتی امامان معصوم علیهم السلام که تربیت اعتقادی از مهم ترین بخش های تربیتی آنان است برای آگاهی و شناخت ائمه اطهار علیهم السلام و اصل اعتقادی امامت در موارد متعددی برای مخاطبان نشان

۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ص ۱۲۲۸.

۲. همان، ص ۸۹۶.



ضرورت و هدف امامت را بیان فرموده‌اند.

به عنوان نمونه جابر از امام باقر علیه السلام پرسید: چه نیازی به پیامبر و امام است؟ امام فرمودند: تا جهان بر صلاحش باقی بماند. زیرا خداوند اگر امام یا پیامبری در میان آنان باشد عذاب را از اهل زمین برمی دارد...^۱

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: "به خدا از رحلت آدم، خداوند زمین را بدون امام نگذاشته است و همیشه در آن امامی بوده است که مردم به واسطه او، به سوی خدا هدایت یابند و هم او حجت خدا بر بندگان است؛ هر که او را رها کند نابود می‌شود و آنکه همراه او باشد نجات می‌یابد."^۲

با ذکر این احادیث برای فرزندان علاوه بر شناخت امامان معصوم علیهم السلام و جایگاه آنان در عالم هستی و خلقت و آشنائی با شئون امامت و هدایت و سایر شئون که در احادیث به آنها اشاره شده است، فرزند می‌آموزد که چگونه از ائمه اطهار علیهم السلام در رسیدن به کمال و سعادت بهره‌مند گردد.^۳

۳-۲-۱- بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام

بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام در اعطای بینش اصل امامت و تربیت فرزند بر مبنای محبت اهل بیت علیهم السلام نقش تربیتی دارد. بدین‌گونه که آشنائی با فضائل اهل بیت علیهم السلام، علاوه بر این که شناخت عمیق‌تری از آن بزرگواران پیدا می‌کنند، سبب می‌شود محبت امامان معصوم علیهم السلام در قلب او ریشه دواند. انسان کمال‌جو و کمال‌گرا است، انسان هم دوست دارد خودش به کمالات دست

۱. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَأَيِّ شَيْءٍ يُخْتِاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ فَقَالَ لِبَقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صَلَاحِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۱۹

۲. عَنْ ذَرِيجِ الْمُخَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳

۳. حسینی‌زاده، سیدعلی، تربیت دینی سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ج ۲ صص ۷۶-۷۵



یابد و هم افرادی را که دارای کمالات هستند، به آنها تمایل پیدا کرده، علاقمند و محب آنها شود. بنابراین بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام برای فرزندان سبب شناخت آنان و محبتشان می گردد. همچنین بیان فضائل، اثر الگوسازی نیز دارد. هنگامی که فرزند با افرادی آشنا می شود که متصف بسیاری از صفات عالی انسانی می باشند، آن افراد را به عنوان الگوی زندگی خود انتخاب نموده و سعی می نماید در زندگی نیز در حدّ توان، مانند آنان زندگی کند.^۱

فطرت بشر به گونه ای است که کمالات، صفات نیک و فضایل را دوست دارد. صفاتی از قبیل علم، حلم، تقوی، شجاعت، رأفت و مهربانی و ... همه انسانها فردی را که دارای چنین صفات حسنه و پسندیده ای است را دوست دارند. اهل بیت علیهم السلام والاترین و برترین کسانی هستند که خداوند آنان را دارای همه کمالات انسانی در حد اعلای خود نموده است و این بزرگواران واجد تمامی صفات نیکو می باشند. عقل سلیم حکم می کند که باید چنین بزرگوارانی را از صمیم قلب دوست داشت. صفات و فضایل هر انسانی را به سوی دارنده آن کمال و فضیلت جذب می نماید.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»^۲

اگر مردم خوبی های حرف ها و تعالیم ما را بدانند از ما پیروی می کنند.

بنابراین آشنائی فرزند با سیره و رفتار اهل بیت علیهم السلام و ذکر نمونه هایی از صبر، ایثار، عفو، تواضع، عبادت، شجاعت، اخلاص، حسن خلق، عطا و بخشندگی، جوانمردی و ... در ایجاد و تقویت محبت تأثیرگذار است و سبب الگوگیری از آنان نیز می شود.

بیان حکایت هایی که برخورد خوب و شایسته و احترام آمیز با کودکان، نوجوانان و جوانان را

در بردارد، تأثیرگذار و سبب تعمیق محبت می شود.

۱. حسینی زاده، سیدعلی، تربیت دینی سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، صص ۷۹-۷۷

۲. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۳۰۷



۳-۱- اسوه‌سازی

یکی از مهم‌ترین روش‌های مورد تأکید و استفاده قرآن، روش اسوه‌سازی است. طبیعت انسان به گونه‌ای است که نسبت به هر کس علاقه و تمایل قلبی داشته باشد، آن را به عنوان الگو برگزیده و از آن پیروی می‌کند. به بیانی دیگر در درون دل انسان جایی برای اسوه‌ها و قهرمان‌ها وجود دارد و در تربیت بر مبنای محبت اهل بیت علیهم‌السلام لازم است والدین بکوشند و رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید فرزند قرار دهند تا او به پیروی از آنها بپردازد و اعمال خویش را انجام دهد.

روش الگوئی از دو طریق الگو گرفتن یا الگو برای خود قرار دادن و ارائه الگو برای دیگران امکان‌پذیر می‌باشد: برای ایجاد محبت اهل بیت علیهم‌السلام والدین باید به سیره آنان (اصول، معیارها و روش‌های آنان در رفتار و کردار)^۱ عمل نمایند و در این صورت است که فرزند نیز با مشاهده رفتار و اعمال آنها، علاقه‌مند به آنان شده و پیرو می‌شود.

از جهت دیگر قبل از آن که فرزند برای خود الگو برگزیند، لازم است والدین محبت برترین انسان‌ها و مخلوقات عالم را در دل فرزند ایجاد نمایند و او را علاقه‌مند به اهل بیت علیهم‌السلام نموده تا آنان را به عنوان الگو برگزیند و پیرو آنان گردد.

راهکارهای زیر می‌تواند در ایجاد و تقویت محبت و الگوپذیری اهل بیت علیهم‌السلام مؤثر باشد:

۳-۱- بیان حکایات و داستان‌ها

یکی از روش‌هایی که در قرآن مورد استفاده قرار گرفته و از نفوذ و جاذبه بالایی برخوردار می‌باشد، روش قصه‌گوئی و داستان است.^۲ به منظور ارائه الگو می‌توان از روش قصه‌گوئی و

۱. مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۴۶.

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۵۰.



داستان سرائی که مورد علاقه کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان است، بهره جست. مراد از داستان، سرگذشت امامان معصوم علیهم السلام و بیان زندگی آنها است که علاوه بر افزایش بصیرت و شناخت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام به دلیل اینکه آنان شخصیت اصلی و قهرمان داستان هستند، رفتار و عملکرد آنان مورد علاقه فرزند واقع می گردد و آنان را به عنوان محبوب خویش برمی گزینند. ائمه اطهار علیهم السلام که برترین بندگان خدا و دارنده مقام و منزلت ویژه به خصوص دارای شأن امامت و هدایت امت می باشند، داستان های آنان اثر تربیتی و سازندگی نیز خواهد داشت.^۱

بنابراین بیان حکایت ها و داستان هایی که در زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام رخ داده است به ویژه ذکر داستان هایی با جنبه عاطفی که عواطف و احساسات فرزند را برانگیزد، وی را علاقه مند و متمایل به آنان نموده و او آن بزرگواران را الگوی عملی و رفتاری خود قرار خواهد داد.

۴-۱- آراستن ظاهر

آراستن به معنای زینت دادن و تزیین کردن و همچنین به معنای منظم و مرتب بودن، هماهنگ بودن و آماده و مهیا بودن نیز گفته شده است.^۲ آراستگی ظاهری موجب دلپذیری و جلب نظر بیننده می شود. همچنین یکی از خواسته های فطری انسان است و با سرشت انسان آمیخته شده است. در دین اسلام سفارش فراوان به آراستگی ظاهر شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نظیف بودن و خوش بوئی مشهور بودند و به مسلمانان توصیه شده است در دیدار با برادران بهترین و نظیف ترین لباس ها را به تن کنند و با آراستگی ظاهر شوند.

ایشان می فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَهَيَأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلُ»^۳

خداوند تعالی دوست دارد وقتی بنده اش نزد برادران خود می رود، خود را آماده کند و بیاراید.

۱. قائمی، علی، زمینه تربیت، ص ۲۲۱-۲۲۰

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی (یک جلدی)، ص ۴۹

۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۲۸۷



در محبت و رزیدن فرزند به اهل بیت علیهم‌السلام والدین باید توجه ویژه به آراستگی ظاهر داشته باشند. به این دلیل که در برقراری ارتباط و تربیت نمودن ظاهری آراسته از سوی مربی تأثیرگذار و سبب جذب متربی (فرزند) می‌شود و یکی از روش‌های تربیت محسوب شده است.^۱

برای ایجاد پیوند قلبی با امامان معصوم علیهم‌السلام و استفاده و کاربرد این روش تربیتی، والدین باید در مناسبت‌های مربوط به ائمه اطهار علیهم‌السلام علاوه بر لباس مناسب به آراسته بودن آن نیز توجه نمایند. علاوه بر پوشش و لباس، آراستگی منزل نیز در آن ایام رعایت گردد. نتیجه این عمل استفاده از تأثیر ظاهر بر باطن و به سبب آراستگی ظاهری، باطن نیز آراسته و صفات و رذایل از درون قلب فرزند پاک می‌گردد.

۵-۱-۱- تزئین کلام

(... قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...) ^۲ به مردم سخن نیک بگوئید....

کلام انتقال دهنده مفاهیم و معانی و از مهم‌ترین ابزار تربیت است و به میزان بهره مندی و موجودیت عوامل مؤثر و نفوذپذیر در کلام می‌توان پیام (و در اینجا، محبت اهل بیت علیهم‌السلام) را به مخاطب (فرزند) منتقل نمود. بر همین اساس یکی از روش‌های تربیتی در ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام، تزئین کلام می‌باشد.^۳

۵-۱-۲- تعظیم و تکریم

اعمال و رفتار والدین به طور غیرمستقیم تأثیرگذار در رفتار فرزند می‌باشد. والدین در حضور فرزند هرگونه درباره اهل بیت علیهم‌السلام سخن بگویند، او نیز از آنان تقلید و الگوبرداری می‌نماید.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۱۳-۱۱۲

۲. بقره / ۸۳

۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۱۳



بنابراین لازم است والدین با احترام و تکریم از ائمه اطهار علیهم السلام یاد نمایند. به عنوان نمونه همراه اسمشان درود و صلوات فرستند، با شوق و اشتیاق از اهل بیت علیهم السلام سخن بگویند و ...

۲-۵-۱- شعر

شعر یکی از ابزارهای تربیت است و در دوران کودکی بیشتر مورد تعلیم قرار می‌گیرد و به صورت غیر مستقیم می‌توان برای تربیت از اشعار بهره‌مند شد. همان گونه که امام صادق علیه السلام تأکید بر آموختن اشعار "عبدی" به فرزندان داشته‌اند. بدین جهت که اشعار او سرشار از معارف مربوط به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

امام صادق علیه السلام ای گروه شیعه به فرزندانان شعر عبدی را یاد بدهید، چرا که بر دین خداوند است.^۱ همین که والدین اشعاری که در بردارنده فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام است را به فرزند آموزش دهند و در قبال آن فرزند را مورد تشویق قرار دهند، محبت به اهل بیت علیهم السلام افزایش می‌یابد. همانگونه که در رسانه‌ها از افراد در حوزه‌های مختلف علمی، هنری، سیاسی، اقتصادی و ... تقدیر به عمل می‌آید و این گونه برنامه‌ها مؤثر و تأثیرگذار است و گرایش و علاقه به سمت آن کار ایجاد می‌شود و سبب تقلید و الگوبرداری می‌گردد، برای ارزش‌های الهی و آنچه مورد تأیید، رضایت و خشنودی خداوند است لازم می‌باشد، فعالیت‌هایی نظیر آموزش شعر عبدی و سایر فعالیت‌های دیگر انجام شود.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۹۲ به نقل از حکمت نامه کودک ص ۱۶۱



۶-۱- ارزشگذاری

۶-۱-۱- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از مبانی تعلیم و تربیت ارزشگذاری است و ارزش‌شناسی به ارزشگذاری منتهی می‌شود.^۱ قرآن کریم نیز از این شیوه استفاده نموده و اموری را به عنوان ارزش معرفی نموده است.

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)^۲، «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ»^۳، «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْمُونَ إِنَّمَا تَذَكَّرُ أُولَ الْأَلْبَابِ»^۴

بنابراین برطبق آموزه‌ها و استفاده از روش‌های قرآنی یکی از راهها، آشنائی فرزند با ارزش‌ها است و این آشنائی و شناخت منجر به ارزشگذاری توسط خود فرزند می‌گردد. علاوه بر والدین سایر متولیان امور تربیتی در ارزش جلوه دادن این محبت نقش داشته و لازم است در جامعه به محبتان اهل بیت علیهم‌السلام بها داده شود.

اگر عملی مورد تشویق و تقدیر قرار گیرد بدین معنی است که مهم و با ارزش تلقی شده است و قابلیت تقدیر و ستایش را دارا بوده، مورد تأیید می‌باشد. هرگاه عملی مورد تقدیر قرار می‌گیرد سبب می‌شود گرایش و تمایل عده‌ای به انجام عمل می‌شود. همانگونه که در رسانه‌ها، مجالس و محافل علمی، هنری و ... از افراد در حوزه‌های مختلف علمی، ورزشی، هنری و ... تقدیر بعمل می‌آید و در جذب مخاطب تأثیرگذار است، برای ارزش‌های الهی و آنچه مورد رضایت و خشنودی خداوند متعال است نیز باید فعالیت‌هایی انجام شود.

لذا لازم است پیش از آنکه ضد ارزش‌ها در نظر فرزند جلوه نمایند و نسبت به آنها تمایل و علاقه

۱. مشکاتی، حسن، پژوهشی در مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت، ص ۱۰۱

۲. حجرات/ ۱۳

۳. سجده/ ۱۸

۴. زمر/ ۹



در فرزند ایجاد شود، ارزش‌های الهی و صحیح را در نظر وی متجلی ساخت. از مهم‌ترین ارزش‌های الهی، محبت اهل بیت علیهم‌السلام است. برای اینکه ارزش بودن این مهم متجلی شود لازم است اعمال و افعالی که در ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام انجام می‌پذیرد مانند حفظ شعر، سرودن اشعار، قصه و کتاب نوشتن، شرکت در مسابقات و ... مورد تقدیر قرار گیرند و پاداش و جایزه‌ای متناسب نیز برای آنها در نظر گرفته شود. بازخورد اینگونه رفتارها این است که فرزند در قبال انجام اینگونه اعمالی که با محوریت اهل بیت علیهم‌السلام بوده، بذر محبت آنها در دل وی کاشته، ریشه دار و مستحکم می‌گردد. زیرا احترام و تکریم از نیازهای انسان است و هنگامی که مورد تشویق و تقدیر واقع می‌شود این نیاز آن برآورده و تأمین می‌شود به این نیاز او پاسخ داده شده و در نتیجه اهل بیت علیهم‌السلام نزد وی محبوب می‌گردند.

۷-۱- ایجاد ارتباط و جو عاطفی

از جمله عوامل مهم و مؤثر در تربیت فرزند محیط و عوامل محیطی می‌باشد و مقصود از محیط عواملی است که فرزند به صورتی با آنها در تماس یا در رابطه است.^۱ معمولاً افکار، رفتار و حالات فرزند تابع شرایط و محیطی است که در آن قرار می‌گیرد.^۲ محیطی مناسب تربیت ولایی فرزند است که سبب ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام گردد و در سایه ایجاد این محبت و ارتباط با محبان اهل بیت علیهم‌السلام، فضایل را کسب و رذایل را طرد نماید.^۳

از آنجائی که انسان موجودی اجتماعی است نیازمند به ارتباط با دیگران در قالب دوستی می‌باشد و به دلیل تأمین نیاز دوست داشتن از انتخاب دوست ناگزیر می‌باشد. در سنین کودکی و نوجوانی بیشترین ارتباط فرزند با گروه همسالان و تحت تأثیر افکار، عقاید، اخلاق و رفتار آنها قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در روایات تربیتی تأکید بسیار بر هم‌نشین و دوست شده

۱. قائمی، علی، زمینه تربیت، ص ۲۱۱

۲. مشکاتی، حسن، پژوهشی در مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت، ص ۱۰۵

۳. قائمی، علی، زمینه تربیت، ص ۲۱۱



است و در فرمایشات ائمه اطهار علیهم‌السلام فرموده‌اند با چه کسانی مجالست و هم‌نشینی نیکو و پسندیده و از مجالست با چه کسانی پرهیز شود. بیان این احادیث حاکی از اهمیت تأثیر دوست و هم‌نشین می‌باشد.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرْنِهِ»^۱

انسان بر دین دوست و هم‌نشین خویش است.

بنابراین یکی از راههای ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام مجالست و هم‌نشینی و ایجاد فضای عاطفی با دوستان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: دوست امیرالمومنین دوست خداست، پس با او دوستی کن.^۲

افزون بر این مورد به منظور فراهم آوردن شرایط عاطفی و استفاده از این روش در محبوب نمودن اهل بیت علیهم‌السلام نزد فرزندان، استفاده از علاقه به محبوبیت می‌باشد. یکی دیگر از نیازهای انسان، مورد توجه قرار گرفتن است که مورد علاقه و محبت دیگران باشد. همچنین یکی از اهداف غایی تربیت، رضایت و خشنودی خداوند از انسان است.^۳ کسب رضایت خداوند و محبوب آن شدن در سایه مودت اهل بیت علیهم‌السلام امکان‌پذیر است.^۴

والدین، اولین کسانی هستند که فرزندان، محبوب آنها است.

امام رضا علیه‌السلام در توصیف امام و بیان ویژگی‌ها و صفات امام می‌فرماید:

«...إِلْمَامًا لِّلْأَيْسُرِ الرَّفِيقِ وَالْوَالِدِ الشَّقِيقِ وَالْأَخِ الشَّقِيقِ وَالْأُمِّ الْبَرَّةِ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ...»^۵

... امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک است...

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲ ص ۳۷۵

۲. ولی هذا ولی الله فواله... مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۲۳۶

۳. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» مائده / ۱۱۹

۴. آل عمران / ۳۱

۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.



امامان معصوم علیهم السلام نسبت به شیعیان مانند پدر و مادر به فرزند هستند و شیعیان را دوست دارند و به آنان محبت می‌ورزند.

فردی به محضر امام علی علیه السلام رسید و گفت: سلام بر تو ای امیرمؤمنان چگونه صبح کردی و چگونه ای؟ حضرت سر بلند کردند و پاسخ سلامش را گفتند و فرمودند: صبح کردم درحالی که دوستدار دوستداران هستم و دشمن کسی که با ما دشمنی دارد.^۱

بیان روایاتی از این قبیل حاکی از محبت دوطرفه و حبّ متقابل می باشد و سبب ایجاد فضای عاطفی میان فرزند و اهل بیت علیهم السلام می‌گردد.

ذکر و بررسی افتخارات از خصوصیات و ویژگیهای نوجوانان و جوانان است، یکی از این افتخارات این است که محبوب انسان‌های بزرگ گردند. در تربیت ولایی و دینی فرزند تمایل و رغبت دارد محبوب اهل بیت علیهم السلام شود. در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام که برای سایر ائمه اطهار علیهم السلام نیز خوانده می‌شود و معروف به زیارت امین الله می‌باشد از خداوند می‌خواهیم ما را دوستدار خاصان اولیاء خویش قرار دهد. «محبّةً لصفوة اولیائک»

۸-۱-۱- ترغیب

ترغیب از روش‌های تربیتی در سیره‌های قولی^۲ معصومان علیهم السلام است و ترغیب به معنای ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد می باشد. استفاده از این روش در ایجاد و محبت اهل بیت علیهم السلام بسیار تأثیرگذار می‌باشد. شامل روش‌هایی می‌باشد:

۸-۱-۱-۱- تبشیر

تبشیر به معنای بشارت دادن است. بشارت در وجود آدمی امید می‌آفریند و کشش این امید،

۱. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲ ص ۱۷

۲. سیره قولی به کیفیت گفتار آنان اطلاق می‌شود، حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ج ۲ ص ۱۶۲



سبب ایجاد رغبت به انجام عمل می‌گردد و تبشیر ناظر به آینده است. تبشیر از روش‌های تربیتی است و بیان احادیث و روایاتی که بشارت دادن عطایایی که با محبت اهل بیت علیهم‌السلام نصیب فرزند می‌شود در آنها ذکر گردیده است، سبب ایجاد و تقویت محبت می‌شود.^۱

الف. ایجاد نیاز به محبت اهل بیت علیهم‌السلام

فرزند از لحظه تولد تا پایان زندگی و پس از آن در عالم قبر، برزخ و قیامت نیازهای متعدد دارد و در این دنیا برای تأمین نیازها نیازمند ارتباط با دیگران است و در روابط انسانی بیشتر به سمت کسانی جذب می‌شود که بیشترین سود و بهره از آنها نصیب آن می‌شود. لذا اگر بهره‌های دنیوی و اخروی که با داشتن محبت اهل بیت علیهم‌السلام به آنها دست می‌یابد برای وی بیان شود و از آنها آگاه گردد، مجذوب و محب آنان می‌گردد. این محبت سرمایه و گنج عظیمی که نه تنها در دنیا و مشکلات آن و بلکه مهم‌تر از آن در لحظات سخت مرگ و عوالم پس از آن، راهگشای تمام سختی‌ها می‌باشد.

آثار و برکات محبت اهل بیت علیهم‌السلام در روایات بسیار فراوان ذکر شده است. به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَظَمَ إِحْسَانُهُ وَرَجَحَ مِيزَانُهُ وَقَبِلَ عَمَلُهُ وَغَفَرَ اللَّهُ وَمَنْ أَبْغَضَنَا لَا يَنْفَعُهُ إِسْلَامُهُ»^۲

هر که ما خانواده را دوست بدارد نیکی او افزون و کفه اعمال خیرش سنگین می‌گردد عمل او مقبول و خطایش مورد عفو قرار می‌گیرد و هر که دشمن ما باشد اسلامش به او سودی نمی‌بخشد. آثار این محبت در حساس‌ترین لحظات که کسی به کمک انسان نمی‌شتابد یعنی لحظه مرگ و

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۱۸

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۶ ص ۲۶۰



پس از آن ظاهر می شود، چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید:

دوست داشتن ما اهل بیت در هفت جا مفید واقع می شود: در پیشگاه خدا، هنگام مردن در

قبر، روز محشر، در کنار حوض کوثر، نزد میزان و در عبور از صراط

دم مرگ هنگامی که جانتان به گلوگاه می رسد، بیشترین نیاز را به محبت ما دارید، اگر حبّ ما

در دلتان بود، فرشته مژده رسان می آید و می گوید: هرآسی نداشته باش که ایمن شدی.^۱

فرزند محبّ اهل بیت علیهم السلام از ایمان کامل بهره مند می گردد، مرتکب گناه نمی شود، توبه اش پذیرفته

می شود، به حکمت دست می یابد، پایش بر صراط نمی لرزد، در قیامت با اهل بیت محشور می شود و...

توجه دادن فرزندان به این آثار و برکات سبب شیفتگی و علاقه به این خاندان می شود.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

خداوند به هرکس محبت اهل بیت مرا روزی کند به خیر دنیا و آخرت رسیده و بدون شک

اهل بهشت است و در حبّ اهل بیت من بیست خصلت است که ده خصلت مربوط به دنیا و ده

خصلت در آخرت فرد محبّ از آنها بهره مند می گردد...^۲

۲-۸-۱- وعده دادن

وعده هایی که در آیات و احادیث به محبّان اهل بیت علیهم السلام داده شده است. مانند حدیث فوق:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید از دنیا رفته آگاه باشید هر

کس با محبت آل محمد از دنیا رود بخشوده است آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا

۲. همان، ج ۶ ص ۱۸۷

۲. أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَ أَمَّا فِي الْآخِرَةِ فَلَا يَنْشُرُ لَهُ دِيْوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ يُغْطَى كِتَابُهُ بِمِجْنَبِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْيَضُ وَجْهُهُ وَ يُكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَ يُشْفَعُ فِي مَائِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يُتَوَجَّعُ مِنْ تَبِجَانِ الْجَنَّةِ وَ الْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُجِيبِي أَهْلِ بَيْتِي. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۷ باب ۴ ص ۷۸ ح ۱۲



رود با توبه از دنیا رفته آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود فرشته مرگ او را بشارت به بهشت می‌دهد، و سپس منکر و نکیر (فرشتگان مامور سؤال در برزخ) به او بشارت دهند، آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود او را با احترام به سوی بهشت می‌برند آن چنان که عروس به خانه داماد. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می‌شود آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا رود بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته آگاه باشید هر کس با عداوت آل محمد از دنیا رود روز قیامت در حالی وارد عرصه محشر می‌شود که در پیشانی او نوشته شده: مأیوس از رحمت خدا آگاه باشید هر کس با بغض آل محمد از دنیا برود کافر از دنیا رفته، آگاه باشید هر کس با عداوت آل محمد از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد»^۱.

۹-۱- ابراز توانائی‌ها

خداوند به انسان کرامت بخشیده^۲ و باید آن را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس را فراهم آورد. فرزند هنگامی احساس عزت و سربلندی خواهد داشت که خود را قادر و توانا بر انجام کاری بباید. فرزندان دارای استعدادها و توانائی‌های بالقوه‌ای هستند و در تربیت سعی بر این است که این توانائی‌ها بالفعل شوند. والدین در ضمن اینکه امکان بروز توانائی‌ها را برای فرزند فراهم می‌آورند، مسیر و هدف ابراز استعدادها و توانایی‌های فرزند را هم‌سو و هم‌جهت با ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرار دهند،

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰ ص ۴۱۲ به نقل از تفسیر کشاف ج ۴ ص ۲۲۰ و ۲۲۱- تفسیر فخر رازی ج ۲۷ ص ۱۶۵ و ۱۶۶- تفسیر قرطبی ج ۸ ص ۵۸۴۳- تفسیر ثعلبی ذیل آیه مورد بحث از جلیل‌بن عبدالله بجلی (طبق نقل المراجعات نامه شماره ۱۹).

۲. اسراء/ ۷۰.



فرزند در صورتی که مواجه می‌شود با اینکه به خاطر ائمه اطهار علیهم‌السلام عملی را توانسته انجام دهد و آنان را دخیل در بروز توانائی خویش می‌پندارد، آنان نزد وی محبوب می‌گردند. به عنوان نمونه آموزش اشعاری که در بردارنده فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام است، فرزندی که توانائی نویسندگی دارد در جهت اهل بیت علیهم‌السلام مطلب بنویسد و او را مورد تشویق و تکریم قرار دهند، سبب ایجاد محبت آن بزرگواران می‌گردد.

۱۰-۱- یادآوری نعمت‌ها^۱

اشتغال خاطر و نسیان در آدمی سبب غفلت از دارائی نعمت‌ها و عدم شکر می‌گردد. یکی از روش‌های تربیتی، تذکر و تنبّه تعمت‌هایی است که به فرزند عطا شده و این که بهره‌مندی از نعمات و مواهب الهی به واسطه وجود مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد و از مراتب شکر این نعمت، محبت به این بزرگواران می‌باشد، میل و رغبت بر محبت به آنان را بر می‌انگیزد. احسان از بدیهیات است و این امر به قدری بدیهی است که نه تنها در انسانها بلکه در برخی حیوانات نیز قابل مشاهده است و پاسخ احسان کننده، محبت به اوست که از جمله وظایف تربیتی است که فرزندان این عمل را بیاموزند و بکار بندند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ نَفَعَهَا»^۲

فطرت آدمی چنین ساخته شده که هر کس به او نیکی کند، دوست بدارد.

بنا به قول مشهور که می‌گویند: "الانسانُ عبيدُ الإحسان"، انسان به کسی که با او به مهربانی رفتار می‌کند و در هنگام سختی‌ها و مشکلات به کمک آن می‌شتابد، محبت می‌ورزد، بنده و مطیع آن می‌گردد.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۴۸

۲ حرّعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۷۴



بنابراین بیان نعمت‌ها، عنایت‌ها و احسان‌هایی که ائمه اطهار علیهم‌السلام به شیعیانشان دارند، موجب پیوند محبت با این بزرگواران می‌شود.

۱-۱۰-۱- معرفی ولی نعمتان

خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام وحی فرمود که مرا دوست بدار و مردم را دوستدار من کن. حضرت موسی علیه‌السلام گفت خودم دوستت دارم. با دل مردم چه کنم؟ خداوند وحی فرمود که آنان را به یاد نعمت‌های من بیانداز.^۱

بنابر این حدیث قدسی یکی از راهکارهای ایجاد محبت، یادآوری صاحبان نعمت‌هایی است که در اختیار بشر است و از آنها متنعم شده است. اهل بیت علیهم‌السلام واسطه نعمت‌ها هستند. روایات بسیاری دلالت بر این دارد که خداوند زمین، دنیا و هر آنچه در آن است را برای ائمه اطهار علیهم‌السلام آفریده و همه نعمت‌ها به آنان تعلق دارد و به برکت وجود آنان دیگر مخلوقات نیز از نعمتها بهره‌مند می‌شوند و به لطف و عنایت این بزرگواران حق استفاده از نعمت‌ها نصیب سایر آفریده‌های خداوند می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «لَوْ تَقَيَّتِ الْأَرْضُ لَسَاخَتَ».^۲

اگر زمین بدون امام و حجت خدا باقی بماند، از هم فرو می‌پاشد.

در زیارت جامعه خطاب به ائمه اطهار علیهم‌السلام چنین آمده است: «...وَبِكُرِّيْنِزْلِ الْعَيْثِ وَبِكُرِّيْمَسِكُ

السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُرِّيْتِنْفُسِ الْهَمِّ وَبِكَشْفِ الضَّرِّ وَعِنْدَكُمَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِمَلَايَكْتُهُ...»^۳

1 "یا موسی احبنی و حببنی الی خلقی قال هذا احبک فکیف احببک الی خلقک قال اذکر لهم آلائی و نعمائی علیهم..."

محدث عاملی، الجواهر السنیه، ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، دهقان، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۱۳۹.

۲. صدوق، محمدبن علی، علل الشرایع، ج ۱ ص ۱۹۶

۳. همان، من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۶۱۵



و به یمن وجود شما باران را فرو می بارد، و آسمان را از سقوط به زمین بدون اذنش باز می دارد، و به وسیله الطاف شما غبار اندوه را از دلها همی زداید، و سختی زندگی و بدی حال را برطرف می سازد، و آنچه فرستادگانش فرود آورده اند و فرشتگانش نازل کرده اند نزد شما است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله: دلها بر محبت کسی که به آنها نیکی و احسان کنند و دشمن کسانی که به آنها بدی کنند سرشته شده اند.^۱

در یادآوری نعمت‌ها علاوه بر نعمتهای مادی لازم است نعمت‌ها و مواهب معنوی و دینی نیز تذکر داده شود. به خصوص نعمت هدایت که به واسطه آنان است که توحید، معرفت و بندگی خداوند متعال و سایر معارف اسلام تحقق می یابد. ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام بزرگترین نعمتی است که خود آنان نیز دوستداران خود را به ارجمندی و فضیلت این نعمت معنوی توجه داده اند. دانستن و آگاهی نسبت به این موضوع یعنی بهره‌مندی از نعمت‌ها به واسطه وجود مبارک و پر برکت امامان علیهم السلام از جمله عواملی است که سبب ایجاد و افزایش محبت به آن ذوات مقدسه می گردد. از این رو برعهده والدین است که توجه به این امر داشته باشند و فرزند خویش را نیز متوجه صاحب نعمت نمایند.

۱۱-۱- فریضه‌سازی (عمل به واجبات)

فریضه حکمی است که انجام آن واجب و باید انجام پذیرد و انجام پذیرفتن آن بسته به فراهم آوردن شرایطی است که در مورد آن حکم خواسته شده است. یکی از فرائض «حبّ اهل بیت علیهم السلام» است.^۲ والدین همانگونه که می‌کوشند فرزندانشان فرائض اعم از نماز، روزه و ... را به جا آورند، لازم می باشد ارتباط با اهل بیت علیهم السلام را نیز به عنوان فریضه در فرزندان ایجاد و تقویت نمایند و بر

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۷

۲. "و لکم المودة الواجبه"، صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۶۱۶.



همین اساس از روش فریضه‌سازی استفاده شود.

در فریضه دو جنبه "الزامی بودن" و "رعایت شرایط" مداومت و محافظت را میسر می‌سازد.^۱ به کارگیری این روش نیز در ایجاد عقیده امامت لازم می‌باشد. آگاه نمودن فرزند از وجوب حبّ اهل بیت علیهم‌السلام سبب مداومت و محافظت بر این عمل می‌گردد و او نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام محبت و مودت می‌ورزد و به سبب ایجاد محبت، تبعیت و پیروی از آنان که آن نیز واجب می‌باشد، محقق می‌گردد. و دستورالعمل‌های ذکر شده توسط آنان در تمام ابعاد وجودی فرزند نیز به عنوان فریضه در نظر گرفته می‌شود و مداومت و محافظت بر دستورات ائمه اطهار علیهم‌السلام باعث حسن رفتار و تربیت وی می‌شود.

۱۲-۱- مواجهه با نتایج اعمال

حضرت علی علیه‌السلام: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَصْرَةَ الشَّرِّ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ»^۲

کسی که آگاه به سودمندی کار خیری نباشد، نمی‌تواند به آن عمل دست یازد.

یکی از روش‌های مؤثر در تربیت مواجهه با نتایج اعمال است یعنی نشان دادن پیامد عمل که به سود یا زیان فرد است و این روش در ایجاد انگیزه برای انجام عمل مطلوب مؤثر و از مبادرت به آنچه برای وی زیان آور است، باز می‌دارد و ناشی از حبّ ذات آدمی است.

برای ایجاد و تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام با استفاده از این روش پیامدهای وجود این محبت را

برای فرزند بیان و او را از آنها آگاه نمود. استفاده از این روش در دو رتبه انجام پذیر است:

رتبه اول، آگاه نمودن فرزند از پیامدهای حبّ اهل بیت علیهم‌السلام و در رتبه دیگر، چشاندن نتیجه

عمل به او و واگذار کردن تا با نتایج اعمال روبرو شود. در این زمینه مواردی ذکر می‌شود:

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۹۲-۹۱.

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۱۰۶ ج ۱۹۱۷



۱-۱۲-۱- بیان فضیلت حبّ اهل بیت علیهم السلام

از جمله مواردی که باعث افزایش و ایجاد محبت به اهل بیت علیهم السلام می شود بیان احادیثی است که از حبّ آنان یاد شده است.

اطلاع رسانی و انتقال پیام، از ویژگی های زیستی موجودات زنده است. انسان موجودی روحانی و دارای قابلیت های فراوان در علم و اندیشه است و خداوند برای تبادل اطلاعات و اندیشه در میان انسان ها با یکدیگر ابزار و وسیله "بیان" را برگزید.^۱ که در میان تمامی صفات و خصوصیات بشری تنها این خصیصه است که او را از سایر موجودات ممتاز ساخته است و انسان را حیوان ناطق می گویند. یعنی موجودی است که آنچه در ضمیر خود دارد و همه مقاصد و مفاهیم ذهنی خویش را در ظریف ترین و لطیف ترین صورت بازگو می کند و هیچ محدودیتی در این راه ندارد.^۲

علاوه بر این "بیان" یکی از کانال های مؤثر در تبلیغ و جذب دیگران بشمار می رود و از اهداف تبلیغ این است که با بیدار کردن فطرت و وجدان های خفته، احکام و ارزش های الهی ابلاغ شود.^۳

عوامل جذاب از جمله بیان نیکی ها و خوبی های امر مورد تبلیغ در توده های مردم و بالاخص فرزند مؤثر است.^۴ به همین منظور یکی از راههای ایجاد و تقویت محبت به اهل بیت علیهم السلام بیان فضیلت حبّ آنان است.

خدای عزّوجل فرموده است:^۵

۱. الرحمن/۴

۲. موسوی کاشمری، سیدمهدی، روش های تربیت، صص ۶۰-۵۹

۳. بابازاده، علی اکبر، شیوه های تعلیم و تبلیغ، ص ۷۳.

۴. همان، ص ۳۱

۵. «یا محمد، آیت علی نفسی و اقسمت علی انی لالهم حبّ علی بن ابی طالب الامن احبته»، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار،

ج ۴۰ باب ۴۷ ح ۸۳



به خودم سوگند خورده‌ام که محبت علی بن ابی طالب را جز به کسانی که آنها را دوست دارم الهام نکنم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: محبت ما اهل بیت را خداوند از آسمان، از مخازنی زیر عرش فرو می‌فرستد که مانند معادن طلا و نقره بوده، آن را به مقدار مشخص نازل کرده، به بهترین مخلوقات خویش عطا می‌کند.^۱

قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ».^۲

برای هر چیز اساسی است و اساس اسلام حب ما اهل بیت است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَحُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ»^۳

همانا بالای هر عبادتی، عبادتی است و حب ما اهل بیت برترین عبادات است.

امام صادق علیه السلام دوستی ما اهل بیت گناهان را نابود می‌کند همانگونه که باد شدید برگ از درخت را.^۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «دوستی اهل بیت گناهان را می‌پوشاند و نیکی‌ها را مضاعف می‌سازد».^۵

محمد بن فضیل از خیمه نقل کرده، گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم فرمود:

خیمه! شیعیان ما اهل بیت دل‌هایشان جایگاه محبت ما خانواده می‌شود و الهام می‌شوند به محبت ما، شخص به ما علاقه و محبت دارد و آنچه در فضل ما می‌شنود، می‌پذیرد با اینکه ما را ندیده و سخن ما را نشنیده، چون خدا برای او خیر و خوبی را خواسته و این آیه اشاره به آن است: (وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ) یعنی هر کس ما را ببیند و کلام ما را بشنود

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۱۳

۲. همان، ج ۴۷

۳. همان، ج ۲۷ ص ۹۱ ح ۴۸

۴. وجدانی، جعفر، الفین، ص ۸۴۱

۵. دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، ج ۲ ص ۲۵۳



خداوند بر هدایت او می افزاید.^۱

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«... يَا عَلِيُّ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخَدَامَتُنَا وَخَدَامُ مَحَبَّتِنَا»^۲

ای علی! ملائکه خدمتگذار ما و محبان ما هستند.

بنابراین هنگامی که حبّ اهل بیت علیهم السلام این همه فضیلت دارد باید ظرف دل را از محبت آنان پر کرد و عشق‌ها و علاقه‌ها را نثار آنان نمود که شایسته‌ترین افراد برای دوست داشتن و محبت ورزیدن هستند و از آنجایی که ارزش دل به عنوان یک ظرف بستگی به محتوای محبتی دارد که در آن است، قیمت انسان نیز به عشقی است که در ظرف دلش جای می‌گیرد. هرچه محبوب ارزشمندتر باشد انسان هم قیمتی‌تر و پربهاتر می‌شود.^۳

۲-۱۲-۱- توجه دادن به عنایت اهل بیت علیهم السلام به شیعیان

شیعیان شعاع نور ائمه اطهار علیهم السلام و از اضافه و بقیه طینت آن بزرگواران آفریده شده‌اند و با ولایت اهل بیت علیهم السلام آمیخته و عجین گشته‌اند.

امام زمان علیه السلام در دعای خود، شیعیان را با این عبارات معرفی می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا»^۴

این افتخار بزرگ نصیب شیعیان شده که مورد توجه و عنایت اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. یکی از نیازهای انسان مورد توجه قرار گرفتن است و بعضی رفتارها که از او سر می‌زند ناشی از تأمین

۱. يَا حَيْثُمَهُ إِنَّ شِيعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُغْدَفُ فِي قُلُوبِهِمُ الْخُبْرُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُلْهَمُونَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَ يَحْتَمِلُ مَا يَأْتِيهِ مِنْ فَضْلِنَا وَ لَمْ يَرْنَا وَ لَمْ يَسْمَعْ كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ أَنَا هُمْ تَفَوَّاهُمْ يَعْنِي مَنْ لَقِينَا وَ سَمِعَ كَلَامَنَا زَادَهُ اللَّهُ هُدًى عَلَى هُدَاهُ، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۱۵۱

۲. صدوق، محمدبن علی، علل الشرایع، ج ۱ ص ۵

۳. محدثی، جواد، عشق برتر راههای ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۰

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۰۲



این نیاز می‌باشد. اگر فرزند بداند مورد توجه و عنایت اهل بیت علیهم‌السلام قرار می‌گیرد، احساس خوشایندی نسبت به آنان در وی ایجاد می‌شود و سبب برقراری پیوند عاطفی و محبوب شدن آنان می‌شود. از طریق ذکر و بیان روایاتی که نشان دهنده این موضوع است می‌توان این حالت را در آنان بوجود آورد. از باب نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

الف. دلسوزتر از خود

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ أَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ»^۱

و به خدا سوگند! ما به شما از خودتان دلسوزتر هستیم.

ب. پدر مهربان

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دو پدر این امت معرفی فرموده است.^۲ رسیدگی امامان معصوم علیهم‌السلام به حال امت خویش و محبت و دلبستگی ایشان به دوستداران و پیروانشان، بی‌تردید از محبتی که هر کس از پدر و مادر خویش می‌بیند، بالاتر است چنانکه امام رضا علیه‌السلام امام را این‌گونه معرفی می‌نمایند:

«...إِلْمَامًا الْأَيْسُرُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ...»^۳

امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر همزاد و مادر دلسوز به فرزند کوچک خویش است.^۴ لازم به ذکر است که یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب دوستی و محبت افراد با یکدیگر می‌شود، وجود پیوندهای نسبی می‌باشد. این موضوع که امامان، پدر شیعیان می‌باشند، سبب ایجاد انس، محبت و علاقه به آنان می‌شود.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۷ ص ۳۴۳

۲. صدوق، محمدبن علی، الامالی، ص ۱۴

۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱ ص ۲۰۰



ج. رسیدگی به امور شیعیان

بنابر ادله نقلی، شیعه معتقد است که امامان بر احوال همه آفریدگان خدا چه در روی زمین و چه در آسمانها آگاهی دارند و در میان آنها نسبت به مؤمنان، عنایت و توجه خاصی دارند. روایات بسیاری در دستگیری اهل بیت علیهم السلام از پیروان و محبانان نقل شده که بیان آنها برای فرزند سبب محبت به آنان می شود.

امام زمان علیه السلام در توقیعی به شیخ مفید اعلی الله مقامه این گونه می نویسد: «... إِنَّا غَيْرُ مُهْتَمِّينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلْنَا بِكُمْ اللَّأْوَاءَ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءَ...»^۱ ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم و فراموشتان نمی کنیم که اگر چنین بود، گرفتاری ها شما را از پای می انداخت.

بدین گونه آن بزرگواران به امورات شیعیان و محبانان رسیدگی می کنند و عنایات بسیار ذکر شده است. ذکر این مطالب تأثیر عمیق بر عواطف و احساسات گذاشته و محبت ایجاد و تقویت می گردد.

د. آگاه از احوال شیعیان

در یکی از مجلدات کتاب شریف بحارالانوار بابی است با عنوان «احوال شیعیان از ائمه علیهم السلام پوشیده نیست»، هر نیازی که از علوم مردم داشته باشند در اختیار آنها است آنها می دانند دچار چه بلاها می شوند و بر آن صبر می کنند اگر از خدا بخواهند که جلو آن بلا را بگیرد می گیرد. علم به ضمائر دارند، از بلاها و مرگها مطلع می باشند و تمیز بین حق و باطل می دهند، میلادها را می دانند، شیعیان و دوستانشان را می شناسند و نام آنها را می دانند،^۲ آنها را از خانواده خود می دانند^۳ و احادیثی از این قبیل، موجبات علاقه مندی و محبت به آنان را فراهم می آورد.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۷

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۶ ص ۱۲۴

۳. همان، ج ۲۶، ص ۱۴۶ و ج ۲۳ ص ۳۱۳



در بعضی از احادیث آمده که امامان علیهم‌السلام در ناراحتی شیعیان‌شان محزون می‌شوند و در مصائب آنان متأثر و در بیماری ایشان بیمار و تمام این موارد نشان دهنده علاقه و عنایت آنان به شیعیان و محبان‌شان است.

حضرت علی علیه‌السلام به رمیله فرمودند: ای رمیله هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که مریض شود مگر اینکه ما هم بواسطه‌ی مریضی او مریض می‌شویم غمگین و افسرده خاطر نمی‌شوند مگر اینکه ما هم بواسطه‌ی آنان اندوهناک می‌شویم و هر گاه دعا می‌کنند ما آمین می‌گوئیم برای دعای آنان، خاموش نمی‌شود مگر اینکه ما برای او دعا می‌کنیم عرض کردم یا علی این کار شما برای کسانی هست که در این شهر با تو هستند آنان که در گوشه و کنارند چطور می‌شود فرمود: ای رمیله هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای در مشرق و مغرب زمین نیست مگر اینکه او با ما نیست و ما با او هستیم این هم از آثار امامت آن حضرت است.^۱

گویا در این جمله که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند، "ما به واسطه مریضی او مریض می‌شویم" شاید منظور شدت عنایت و توجه آنها به دوستان خود می‌باشد.^۲

هـ. دعای ائمه اطهار علیهم‌السلام در حق محبان‌شان

دعای ائمه اطهار علیهم‌السلام در حق محبان‌شان، یکی دیگر از عواملی است که فرزند با دانستن این موضوع به آنان محبت و مودت می‌ورزد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حق دوستان اهل بیت علیهم‌السلام از خدا می‌خواهند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِمَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَحْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ»^۳

خدایا دوستدار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد یاری کن هر که یاریش

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴ ص ۱۰۱

۲. همان، ج ۴ ص ۱۰۱

۳. همان، ج ۲۳ ص ۱۰۳



کند و واگذار هر کس واگذارش.

سیدبن طاووس نقل می کند که شنیدم حضرت صاحب الزمان علیه السلام در سرداب مطهر برای شیعیان و محبانان به درگاه خداوند دعا می کردند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتَّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِي مَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَقَاصِّ بِهَا عَنْ حُوسِنَا وَأَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَزَحْزَحِهِمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ قَلْتَ وَيُوجَدُ فِي غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ مَوْالِفَاتِ جَمَلَةٍ مِنَ الْمَتَأَخِرِينَ الَّذِينَ قَارَبْنَا عَصْرَهُمْ وَالْمُعَاصِرِينَ»^۱

۲- گام دوم تربیت دینی: اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

نشانه محبت راستین و معرف محب صادق، پیروی محب از محبوب خویشتن است و این گام دوم تربیت دینی است.

در سایه ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام و برقراری پیوند قلبی و ارتباط عاطفی با این بزرگواران، فرزند، همراه، هم‌رنگ، هم‌سو با آنان شده، ولایت آنها را در تمامی شئون زندگی قبول نموده و از دستورات و سیره آنان پیروی و تبعیت نموده و سیره و روش آنان را سبک زندگی خویش قرار خواهد داد.

فرزند که ائمه علیهم السلام را به عنوان الگو و اسوه برای کسب سعادت بر می‌گزیند لازم است با عوامل و موانع که آنان عمل نموده و توصیه به انجام دادن یا انجام ندادن نموده‌اند و از آنها با عنوان بایدها و نبایدها یاد می‌شود، آگاه گردد.

در روند تربیت دینی، فرزند محب اهل بیت علیهم السلام آگاهانه و با نیت مشخص تحت برنامه خاص

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۰۲



آنان قرار می‌گیرد تا بالقوه‌هایش بالفعل شود و ابعاد مختلف او از لحاظ زیستی، فکری - اعتقادی، اخلاقی - تربیتی، روحی - روانی، فطری و اجتماعی - سیاسی تکامل یابند.

در سیره و دستورات ائمه اطهار علیهم‌السلام برای تمام ابعاد وجودی انسان بایدها و نبایدهایی ذکر شده است. در این مختصر مجال ذکر تمام فرمایشات گوهربرار آنان نمی‌باشد و تنها به ذکر قطره‌ای از دریای سخنان و دستورات آن بزرگواران اکتفا می‌شود.

۱-۲- بعد زیستی

این بعد شامل تأمین نیازهای زیستی انسان است که بایدها و نبایدها در این زمینه بسیار زیاد است از جمله توصیه به حفظ صحت و تندرستی جسم و شامل مسائل مربوط به تغذیه، تفریح سالم و ورزش می‌شود.

دستوراتی در این جهت مانند توصیه به حلال و پرهیز از حرام، پرهیز از اسراف و توصیه به اعتدال و میانه‌روی است. به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

در حدیثی مفصل امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام به کمیل می‌فرمایند: ای کمیل، شکم خود را از غذا انباشته و سنگین مساز، و در آن برای آب جایی گذار و برای هوا محلی. و در حالی که میل به خوردن در تو باقی است از آن دست بکش. که اگر چنین کنی از آن لذت می‌بری، زیرا سلامتی بدن بسته به کم خوراکی و کم نوشیدن است.^۱

استفاده از لقمه حرام آثار بسیار شومی برای انسان به دنبال دارد، قلب را تاریک و انسان را از خدا دور می‌سازد و در مسیر شیطان قرار می‌دهد. در فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام پرهیز از لقمه حرام بسیار ذکر شده است. و از موانع استجاب دعا نیز غذای حرام می‌باشد، حدیث معروفی که از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده، شاهد این مدعی است: مردی خدمتش عرض کرد دوست دارم دعایم

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۵۵



مستجاب شود، فرمود: طهر ماکلک و لا تدخل بطنک الحرام:

غذای خود را پاک کن، و از هر گونه غذای حرام بپرهیز!

حضرت علی رضی الله عنه: «لَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لُعْنَ الْحَرَامِ»^۱

لقمه‌های حرام هرچند اندک باشد، وارد شکم خود نسازید.

همچنین از ایشان نیز روایت شده است که: کمتر خوردن مانع بسیاری از بیماریهای جسم

می‌شود.^۲

در حدیث دیگری آمده است: یکی از زاهدان ریایی به نام "عبادبن کثیر" با امام صادق رضی الله عنه

روبرو شد، در حالی که امام رضی الله عنه لباس نسبتاً زیبایی بر تن داشت، به امام گفت: تو از خاندان نبوتی،

و پدرت حضرت علی رضی الله عنه لباس بسیار ساده می‌پوشید چرا چنین لباس جالبی بر تن تو است؟ آیا

بهتر نبود که لباسی کم اهمیت‌تر از این می‌پوشیدی، امام رضی الله عنه فرمود: وای بر تو ای عباد! چه کسی

حرام کرده است زینت‌هایی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزیهای پاکیزه را؟^۳

امام صادق رضی الله عنه به قدری از عطریات استفاده می‌کرد، که هرگاه کسی وارد مسجد می‌شد و او را

نمی‌دید، از محلی که بوی عطر از آن استشمام می‌شد، می‌فهمید که امام صادق رضی الله عنه در همان محل

بوده است، زیرا محلّ سجده او همیشه خوشبو بود.^۴

امام صادق رضی الله عنه از پدر بزرگوارشان روایت می‌کنند: «مَنْ أَخَذَ ثَوْبًا فَلَيْسَتْ تَنْظِفُهُ»^۵

هر که جامه‌ای دارد باید پاکیزه‌اش دارد.

۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۶۷۸

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱

۳. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ص ۳۲۰

۴. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۲۰۷

۵. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، ج ۶ ص ۵۱۱

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۳ ص ۸۵



حضرت علی علیه السلام: سزاوار نیست انسان به دو چیز اطمینان پیدا کند: سلامتی و ثروت. چراکه در همان حال که انسانی را تندرست می‌بینی ناگهان بیمار می‌شود و در همان حال که او را ثروتمند مشاهده می‌کنی ناگهان فقیر و مستمند می‌گردد.^۱

آن حضرت نیز می‌فرماید: از سرما در آغاز آن (در پاییز) بپرهیزید و در آخرش (نزدیک بهار) از آن استقبال کنید، زیرا در بدن‌های شما همان می‌کند که با درختان انجام می‌دهد؛ آغازش می‌سوزاند و آخرش می‌رویاند و برگ می‌آورد.^۲

امام علیه السلام در این کلام حکیمانه خود دستور طبی مهم و کارسازی را بیان می‌کند که مراعات آن می‌تواند از بسیاری از بیماری‌ها پیش‌گیری کند و بر نشاط و نمو جسم و روح انسان بیفزاید.^۳

امیر المؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کنند:

به فرزندان خود شنا و تیراندازی تعلیم دهید.^۴

۲-۲- بعد جنسی

غریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان، نیازمند تربیت است و از دیدگاه اسلام، تربیت جنسی یعنی فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و پرورش غریزه جنسی به گونه‌ای که عفت و سلامت جنسی حاصل شود.^۵ این از ویژگی‌های دیدگاه دین است که علاوه بر سلامت جنسی به عفت جنسی نیز می‌اندیشد.^۶ عفت از صفات عالیه انسانی است که اعمال تمایلات جنسی با وجود آن تعدیل و انسان را از پلیدی شهوت مصون می‌دارد. نکته مهم این است که تربیت این بعد مستلزم فرا رسیدن دوران بلوغ نیست

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۶

۲. تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوْلَاهُ، وَتَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوْلُهُ يُحْرِقُ، وَآخِرُهُ يُورِقُ، همان، حکمت ۱۲۸

۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۱۳ ص ۶۷

۴. همان، تفسیر نمونه، ج ۱۴ ص ۲۵۵ به نقل از وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۹۴

۵. مؤمنون / ۵

۶. محمدی‌شهری، محمد، حکمت‌نامه کودک، ص ۲۰۳



بلکه در تربیت دینی تقریباً از آغاز تولد این تربیت شروع می‌شود و دوره کودکی مهم‌ترین دوره تربیت این بُعد می‌باشد و والدین موظف به پرورش صفت عفت می‌باشند.^۱

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خویشتن را از آلودگی لذات پلید و عوارض بد شهوات منزّه و پاک نگاه دارید».^۲

در مورد هواهای نفسانی و خویشتن‌داری اینگونه باید عمل شود:

هوای نفس را در اختیار بگیر و از آنچه حلال نیست خویشتن‌داری بکن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد یا برای او خوشایند است راه انصاف پیمایی.^۳ مالکیت هوای نفس که حضرت علی علیه السلام بر آن تأکید فرموده، آن است که به هنگام هیجان شهوات، انسان بتواند خود را کنترل کند و به عکس اگر هوای نفس، مالک فکر، عقل و نیروی انسان شود او را به هر پرتگاهی می‌کشاند.^۴

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

از هوای نفس بترسید همان‌گونه که از دشمنان بیم دارید، چرا که چیزی دشمن‌تر از پیروی هوای نفس و آنچه «بی حساب» بر زبان انسان جاری می‌شود نیست».^۵

در حدیث دیگری از امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: از طریق جهاد مداوم در برابر خواسته‌های نفس مالک نفس خویش شوید».^۶

امام علی علیه السلام فرمودند: مجاهد شهید راه خدا اجر و پاداشش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر

۱. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ص ۳۲۹

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۷۷۵

۳. فَإِنَّ الشَّخَّ بِالنَّفْسِ الْإِنصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ، نهج البلاغه، نامه ۵۳

۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۱۰ ص ۳۷۷

۵. اخذُوا أهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَعْدَى لِلرَّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أهْوَائِهِمْ وَخَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ، کلینی، محمدبن-

یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۶. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ح ۴۸۹۸.



گناه دارد اما خویشتن‌داری می‌کند، این فرد عقیف و خویشتن‌دار نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود.^۱

امام باقر علیه السلام هیچ عبادت الهی‌ای برتر از این نیست که انسان در مقابل شکم‌پرستی و شهوت‌پرستی عقیف و پاک بماند.^۲

۳-۲- بعد اعتقادی

اساس و پایه جهان بینی انسان بر اصول اعتقادی او استوار است و رفتار، گفتار و کردار هر کس بر اساس بینش و نگرشی است که نسبت به جهان و مبدأ آفرینش دارد. بنابراین اصول فکری و اعتقادی فرزند که برطبق فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام باشد، او را واجد عقیده صحیح خواهد نمود. دستورات اهل بیت علیهم السلام در مسائل اعتقادی شامل موارد زیر می‌باشد:

الف. توحید

اصل اعتقادی توحید و یکتا دانستن خداوند در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام به معنای خارج کردن خداوند از دو حد «تعطیل و تشبیه» است.^۳

در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: درباره آفرینش خداوند سخن بگویند ولی درباره کنه ذات او نه، زیرا سخن درباره ذات خدا جز بر حیرت صاحبش نمی‌افزاید.^۴

و در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: از تفکر درباره ذات خداوند بپرهیزید و اگر خواستید به عظمت او نگاه کنید به آفرینش عظیم او بنگرید.^۵

۱. مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَى: لَكَادَ الْغَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ، نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

۲. مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَقَّةِ بَطْنِ وَفْرَجٍ، کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲ ص ۷۹.

۳. سئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَجُوزُ أَنْ يُقَالَ لِلَّهِ: إِنَّهُ شَيْءٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ، يُخْرِجُهُ مِنَ الْخُدَيْينَ: خَدَّ التَّعْطِيلِ وَ خَدَّ التَّشْبِيهِ»، کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۱، ۱۰۹.

۴. تَكَلَّمُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ فَإِنَّ الْكَلَامَ فِي اللَّهِ لَا يَزِدَادُ صَاحِبَهُ إِلَّا تَحْيِيرًا، کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۹۲.

۵. قُلْ إِيَّاكُمْ وَالتَّفَكُّرَ فِي اللَّهِ وَلَكِنْ إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَى عَظَمَتِهِ فَانظُرُوا إِلَى عَظِيمِ خَلْقِهِ، همان، ص ۹۳ ح ۷.



از حضرت علی علیه السلام درباره توحید و عدل سؤال شد، امام علیه السلام فرمود: توحید آن است که خدا را در وهم و اندیشه نیاوری ...^۱

امام صادق علیه السلام: اما توحید آنست که هر چه را بر خودت جایز و روا می دانی بر خدا جایز ندانی ...^۲

در مکتب اعتقادی ائمه اطهار علیهم السلام، عقاید از هر گونه انحراف و خطا مصون خواهد بود. در تربیت دینی، فرد خود را در برابر خدای بی همتا، بنده محض می داند و همه زندگی خود را صحنه عرض عبودیت به پیشگاه الهی می داند.

ب. نبوت

منظور از نبوت اعتقاد به کسانی است که از سوی خدای تعالی حامل خبر و رسالت می شوند. یکی از اموری که به ضرورت دین، بر همه ی پیامبران الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام نازل شده است، تصدیق و ایمان به پیامبران دیگر الهی و اموری است که بر آنها نازل شده است.

امام صادق علیه السلام: ... اما آنچه از ایمان بر قلب واجب کرده است اقرار و معرفت و اعتقاد و خشنودی و تسلیم است به اینکه خدایی جز « الله » نیست؛ او یگانه است و شریکی ندارد. خدای یکتایی است که برای خویش همنشین و فرزندی نگرفته است و اینکه محمد بنده و رسول اوست. و نیز اقرار به تمام اموری است که از سوی خدا آمده است اعم از اینکه نبی باشد یا کتاب. این است آنچه خدا بر قلب واجب کرده است که عبارت است از اقرار و معرفت که عمل قلب است ... و این اصل ایمان است.^۳

امام رضا علیه السلام در جواب مأمون که از ایشان خواسته بود اسلام را به اختصار بیان فرمایند، به خط

۱. التَّوْحِيدُ أَلَّا تَتَوَهَّمَهُ، نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰

۲. أَمَّا التَّوْحِيدُ فَأَنْ لَا تُجَوِّزَ عَلَى رَبِّكَ مَا جَازَ عَلَيْكَ ... صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۹۶

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۳۳



مبارک خویش این چنین نوشتند: «همانا حقیقت اسلام عبارت است از شهادت به اینکه خدایی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد ... و اینکه محمد بنده و رسول و امین اوست ... و اینکه جمیع آنچه محمد بن عبدالله آورده است حق آشکاری است و تصدیق به او و به همهی رسولان خدا و پیامبرانش و حجت‌های او که پیش از پیامبر اسلام آمده‌اند».^۱

بنابراین اگر کسی نبوت یکی از پیامبران الهی را منکر شود در حقیقت همه پیامبران الهی را منکر شده است. لذا یکی از ارکان و اصول مهم اسلام پذیرفتن دین همه انبیای الهی است.

ج. امامت

آنچه در اصل اعتقادی امامت مطرح است اینکه امامان معصوم علیهم‌السلام از جانب خداوند به این مقام منصوب شده‌اند. بنابراین پیروی از او بر بندگان واجب است. چنانچه رسول خدا در وجه تسمیه «امام» می‌فرماید:

«امام» به جهت اینکه مقتدای مردم است و از سوی خدای تعالی نصب شده و طاعتش بر بندگان واجب است، امام نامیده شده است.^۲

بشیر عطار گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم می‌فرمود:

« ما مردمی هستیم که خدا طاعت ما را واجب کرده است ... »^۳

امیرالمؤمنین می‌فرماید: اطاعت فقط از خدای تعالی و رسول خدا و والیان امر واجب است. و اطاعت صاحبان امر به آن جهت واجب شده که آنان معصوم و پاکیزه‌اند و امر به معصیت نمی‌کنند.^۴

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۶۴.

۳. عَنْ بَشِيرِ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا ...، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۳.

۴. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۲۳.



حضرت علی علیه السلام از من سؤال کنید، پیش از آنکه مرا از دست دهید.^۱
 حضرت علی علیه السلام بدانید شما هرگز راه حق را نخواهید شناخت مگر آن که ترک کنندگان آن را بشناسید.^۲

فرزند در تربیت دینی، امامان معصوم علیهم السلام را منصوب از جانب خدای متعال می داند و شأن عصمت برای آنان قائل است و ولایت آنان را در تمام شئون زندگی خویش می پذیرد و مطیع و فرمانبردار آنان می گردد.

د. عدل

در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام خداوند عادل و از اتهام هر گونه ظلمی مبرا است.
 حضرت علی علیه السلام «... عدل آن است که او را متهم نسازی».^۳
 امام صادق علیه السلام «... عدل این است که آنچه را که خدا تو را در آن ملامت کرده به خالق خودت نسبت ندهی».^۴

همعاد

حضرت علی علیه السلام به سوی آن امر همگانی - که ویژه یکایک شماست - یعنی مرگ، مبادرت ورزید (و برای آن آماده شوید)؛ چرا که (گروهی از) مردم، پیش از شما رفتند و قیامت از پشت سر، شما را بانگ می زند (و به پیش می راند) سبکبار شوید تا به قافله برسید.^۵

۱. سألونی قبل أن تفقدونی، نهج البلاغه، خطبه ۹۳

۲. و اعلموا أنّکم لن تعرفوا الرشد حتى تعرفوا الذی ترکه، همان، ۱۸۹. در این زمینه ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ ص ۲۸۳

۳. و العدل ألا تنهيه، نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰

۴. و أمّا العدل فأن لا تنسب إلی خالقک ما لامک علیه، صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۹۶

۵. بادروا أمر العامّة و خاصّة أحدکم و هو الموت، فإنّ الناس أمامکم، و إنّ الساعه تحذوکم من خلفکم. تحفّفوا تلحقوا، فإنما ينتظر بأولکم آخرکم، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷



حضرت علی علیه السلام: دنیا سرای عبور است نه سرای اقامت.^۱
 حضرت علی علیه السلام: دنیا تنها سرای عبور و آخرت خانه جاودانه است، حال که چنین است از این گذرگاه خود برای محل استقرار خویش، توشه بگیرید.^۲

۴-۲- بعد علمی - آموزشی

ائمه اطهار علیهم السلام دستوراتی نیز در بعد علمی و علم‌آموزی بیان فرموده‌اند:

زمان، نحوه و نوع علم‌آموزی

حضرت علی علیه السلام: در فراگرفتن علم بکوشید پیش از آن که درخت آن بخشکد! و قبل از آن که به خود مشغول گردید (و به دنیا آلوده شوید)، علم و دانش را از نزد اهلش استخراج کنید.^۳
 امام صادق علیه السلام: علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده.^۴
 امام رضا علیه السلام: خدا بیمارزد کسی را که امر ما را زنده کند. (راوی حدیث گوید:) به امام گفتم: چگونه امر شما زنده می‌شود؟ گفت: «به آموختن علوم ما و تعلیم دادن آن به مردمان.^۵
 امام علی علیه السلام: به کودکانان چیزی بیاموزید که خداوند آن چیز را سودمند قرار داده است، تا صاحبان افکار باطل آنان را گمراه ن سازند.^۶
 امام کاظم علیه السلام: سزاوارترین علم آن است که بدون آن نتوانی عمل شایسته انجام دهی. و بایسته‌ترین عمل عملی است که مکلف به انجام دادن آئی. و لازم‌ترین علم آن است که تو را به

۱. الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَادَارُ، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳

۲. إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳

۳. فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَصْوِیحِ نَبْتِهِ، وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْغَلُوا بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَقَرِّ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ، فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِالنَّهْيِ يَعْنِدُ التَّنَاهَى، نهج البلاغه، خطبه / ۱۰۵

۴. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸ ص ۵۶

۵. صدوق، محمدبن علی، معانی الاخبار، ج ۱ ص ۱۷۴

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۷.



پاکسازی دل (و تهذیب باطن) رهبری کند و تباهی و فساد دل را بر تو آشکار سازد. و نیک فرجام ترین علم آن است که بر دانایی کنونی تو بیفزاید، پس به علمی نپرداز که نادانستن آن زینانی برای تو ندارد، و از علمی غافل مشو که فرو گذاشتن آن بر نادانی تو می افزاید.^۱

حضرت علی علیه السلام: چیزی را که علم به آن نداری مگو بلکه همه آنچه را که می دانی نیز مگو.^۲

حضرت علی علیه السلام: قرآن را فرا گیرید که بهترین گفته هاست.^۳

امام صادق علیه السلام: اگر علم صحیح می خواهی از اهل بیت پیامبر بگیر.^۴

۵-۲- بعد اخلاقی

در مواجهه با موقعیت های مختلف زندگی رفتار و عکس العمل هایی بدون تأمل و سنجش از فرد (فرزند) سر می زند که ناشی از خلق و خوی او است. خلق و خو نیز نشانه تربیت فرزند می باشد. به منظور برخورداری فرزند از خلق و خوی پسندیده لازم می باشد برطبق دستورات اخلاقی و سیره ائمه اطهار علیهم السلام به کسب فضایل و طرد ردائیل اهتمام ورزد.

الف) تقوا

حضرت علی علیه السلام: تقوا در رأس همه ارزشهای اخلاقی است.^۵

ب) حلم و بردباری

حضرت علی علیه السلام: اگر حلیم و بردبار نیستی خود را به بردباری وادار کن.^۶

ج) پرهیز از تکبر

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۳.

۲. لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَأَنْتَقُلُ كُلَّ مَا تَعْلَمُ، نهج البلاغه، حکمت / ۳۸۲

۳. تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ، نهج البلاغه، خطبه / ۲۲۳

۴. ذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۹۲

۵. التَّقَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ، نهج البلاغه، حکمت / ۴۱۰

۶. إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، همان، حکمت / ۲۰۷



(وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ)^۱

حضرت علی علیه السلام: فخر فروشی خود را کنار بگذار و تکبرت را (از خود) فرو ریز.^۲

(د) پرهیز از حسادت

امام صادق علیه السلام: از خدا پروا کنید و بر یکدیگر حسد مبرید.^۳

۶-۲- بعد روحی - روانی

در تربیت دینی به بعد روحی - روانی انسان نیز توجه شده است و ائمه اطهار علیهم السلام نیز در

تقویت، پرورش و تربیت این بعد دستوراتی بیان فرموده‌اند:

(الف) حق، مایه آرامش

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: چیزی جز حق، مایه آرامش تو نشود و چیزی غیر از باطل تو را

به وحشت نینفکند.^۴

(ب) درمان با قرآن

حضرت علی علیه السلام: از نور آن (قرآن)، شفا و درمان بطلبید که شفای دل‌ها (ی بیمار) است.^۵

(ج) درمان سستی دل با تصمیم

حضرت علی علیه السلام: بیماری سستی دل خود را با داروی تصمیم وعزم راسخ مداوا کن.^۶

۱. لقمان / ۱۸

۲. ضَعُ فُخْرَكَ، وَ اِخْطَطُ كِبْرَكَ، وَ اذْكَرُ قَبْرَكَ، نهج البلاغه، حکمت / ۳۹۸

۳. اَتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا يَخْسُدْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳ ص ۲۵۳

۴. لَا يُونَسْتِكَ إِلَّا الْحَقُّ، وَ لَا يُوْحَشْتِكَ إِلَّا الْبَاطِلُ، همان، خطبه ۱۳۰

۵. اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصَّدُورِ، همان، خطبه ۲۲۳

۶. فَتَدَاوُ مِنْ دَاءِ الْفُتْرِ فِي قَلْبِكَ بِعَزِيمَةٍ، همان



۷-۲- بعد فطری

الف. تقدس و عبادت

حضرت علی علیه السلام در حال احتضار به امام حسن وصیت کرده و فرمودند: در عبادت میانه‌رو باش و آنچه را که همیشه می‌توانی انجام دهی و در توان توست انجام ده. (نه آنچه را که تاب و توان آن نداری)^۱

ب. زیبایی

(إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا)^۲

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازمائیم کدامینشان بهتر عمل می‌کنند؟ امام صادق علیه السلام: خداوند زیبایی و آراستگی را دوست می‌دارد، و ژولیدگی و فقیرنمایی را نمی‌پسندد؛ چون نعمتی به بنده خویش عطا کند، دوست دارد اثر آن را بر وی ببیند. پرسیدند: چگونه؟ فرمود: «با نظیف‌پوشی، استفاده از عطر، گچکاری خانه (و آراستن محل سکونت)، و جاروب کردن (و تمیز نگاه‌داشتن) حیاط؛ حتی اینکه روشن کردن چراغ- پیش از غروب خورشید- فقر را می‌زداید و بر روزی می‌افزاید».^۳

ج) حس تعاون و نیکی

امام صادق درباره تعاون می‌فرماید: تو را سفارش می‌کنم که خردسالان مسلمین را به فرزندی و میانسالان را به برادری و بزرگسالان را به پدری بگیر، و همانند رفتاری که در خانه داری، به فرزندان مسلمین عطا کن، به برادران دینیت ببیوند و به پدران دینیت نیکی نما.^۴

۱. نوری طبرسی، حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۱۳۰

۲. کهف/ ۷

۳. حر عاملی، محمدین حسن، وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۳۴۱

۴. بحرانی، نورالله، عوالم العلوم، ج ۱۹، ص ۲۶۷.



د) کنجکاوی

حضرت علی علیه السلام: خویش را با عدم موشکافی و کنجکاوی در امور بی‌ارزش ارجمند بدارید.^۱

ه) حقیقت جوئی

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْحَدِّ»^۲

حق جز با تلاش و کوشش بدست نمی‌آید.

۸-۲- بعد اجتماعی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا^۳

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید. زندگی جمعی آداب و شرایطی دارد تا محیط زندگی سالم و توأم با آرامش باشد و زمینه‌های نزاع و دشمنی از میان برداشته شود. از این رو امامان معصوم علیهم السلام برای تحکیم روابط انسان‌ها و تحقق زندگی مطلوب و متعالی توصیه‌هایی بیان فرموده‌اند، که بکار بستن آنها سلامت همه جانبه جامعه و روابط نیکوی انسانی را تضمین می‌نماید.

حضرت علی علیه السلام: همواره همراه بزرگترین جمعیت‌ها (اکثریت طرفدار حق) باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی پرهیزید.^۴

الف) سلام کردن

مردی به امام حسین علیه السلام برخورد و در اولین کلام از حضرت احوالپرسی کرد و از خداوند عافیت خواست. آن حضرت در جواب فرمود: سلام قبل از سخن گفتن است، خدایت عافیت

۱. حرانی، ابن‌شعبه، تحف‌العقول، ص ۲۰۶

۲. نهج‌البلاغه، خطبه/۲۹

۳. حجرات/ ۱۳

۴. الزُّمُو السُّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. وَ إِنَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷



دهد. بعد فرمود: به کسی اجازه سخن گفتن ندهید تا سلام کند.^۱

ب) رفاقت

حضرت علی علیه السلام: در نامه خود به حارث همدانی توصیه کرده است: از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است برحذر باش.^۲

ج) خوشروئی عامل جذب دلها

امام علی علیه السلام: دل‌های انسان‌ها وحشی و رمنده است، هر کس با آنها انس گیرد رو به سوی او می‌کنند!^۳

چ. معیار روابط اجتماعی

امام علی علیه السلام: خود را با دیگران بسنج و دوست دار برای دیگری آنچه برای خود دوست داری، و بد دار برایش آنچه برای خود بد داری ستم مکن چونان که نخواهی ستم کشی، و نیکی کن چونان که دوست داری بتو نیکی شود. و از خود زشت شمار آنچه از دیگران زشت می‌شماری، و بیسند برای مردم آنچه را از آنها برای خود پسندی، آنچه ندانی نگو و آنچه دانی بگو، و مگو آنچه نخواهی برایت گویند.^۴

ح) مدارا و سازگاری

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: "با نیکان نهانی آمیزش کنید و با بدکاران آشکارا و بدانها یورش نکنید تا به شما ستم کنند."^۵

۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲ ص ۶۸

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۹

۳. قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَفْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ همان، حکمت ۵۰

۴. اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ - فَأَحِبِّ لْغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا ...، همان، نامه ۳۱

۵. خَالِطُوا الْأَبْرَارَ سِرًّا وَ خَالِطُوا الْفَجَّارَ جَهَارًا، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳ ص ۱۸۰



خ) روش برخورد با مردم

حضرت علی علیه السلام: با چهره‌ای باز با مردم روبه‌رو شو، و مجلست برای خاص و عام گشاده دار و در حکم و داوری همه را یکسان بنگر. از خشم و غضب (به شدت) برحذر باش.^۱

د. حقوق دوستان بر یکدیگر

- سرزنش با احسان

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: برادرت را (به هنگامی که خطایی از او سر می‌زند) با نیکی کردن به او سرزنش کن! و شری را از راه بخشش به او دور ساز!^۲

- راه درمان بدیها

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کینه و بدخواهی دیگران را از سینه خود درو کن تا بدخواهی به تو از سینه دیگران ریشه کن شود.^۳

- بی توجهی به ناسپاسی مردم

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد.^۴

- مدارا و ملایمت

امام صادق علیه السلام فرموده است: اگر می‌خواهی در جامعه مورد تکریم و احترام باشی با مردم به مدارا و نرمی برخورد کن، و اگر می‌خواهی با تحقیر و اهانت مردم مواجه شوی روش تند و خشونت در پیش گیر.^۵

۱. سَعِ النَّاسِ يَوْجِهَكَ وَمَجْلِسِكَ وَحَكْمِكَ، وَإِيَّاكَ وَالغَضَبَ، نهج البلاغه، نامه / ۷۴

۲. غَاتِبْ أَحَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَارْذُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ، همان، حکمت / ۱۵۸

۳. اخْضِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْبِهِ مِنْ صَدْرِكَ، همان، حکمت / ۱۷۸

۴. لَا يُرْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ، همان، حکمت / ۲۰۴

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ ص ۲۷



۹-۲- بعد اقتصادی

(لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)^۱

روزی را نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید، که به سوی او باز می گردید.

اهمیت تأمین نیازهای مادی و اقتصادی تا جائی است که ائمه اطهار علیهم السلام به آن توجه نموده و خود آنان نیز در حد نیاز نه افراط و تفریط انجام داده و برنامه‌ها و دستوراتی کامل و جامع در حد اعتدال توصیه نموده‌اند.

به عنوان نمونه ابوعمرو شیبانی نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام را دیدم در حالی که بیلی در دست داشت و لباسی خشن بر تن و در باغچه خانه‌اش کار می‌کرد و از پشتش عرق می‌ریخت، به او گفتم: جانم فدایت! بیل را به من بده تا کار را انجام دهم، فرمود: من دوست می‌دارم آدمی در راه تأمین هزینه زندگی در گرمای خورشید رنج ببرد.^۲

الف. رعایت اعتدال

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: سخاوتمند باش و در این راه اسراف مکن و در زندگی حساب‌گر باش و سخت‌گیر مباش.^۳

حضرت علی علیه السلام خداوند روزی را برای شما تضمین کرده و شما را به انجام (واجبات) امر فرموده.^۴

۱. عنکیوت / ۱۷

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۷۶

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۳

۴. همان، خطبه ۱۱۴



ب. تشویق بکار

امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است: گرچه خداوند در نظام حکیمانه آفرینش، ارزاق مردم را تضمین کرده است ولی مبدا اندیشه ضمانت خداوند رازق، مغرورتان سازد و شما را از انجام فریضه کار و کوشش باز دارد.^۱

ج. پرهیز از چشم دوزی به ثروت دیگران

امام باقر علیه السلام از این که چشم به کسانی که (از نظر ثروت) از تو برترند بدوزی پرهیز.^۲

۱۰-۲- بعد سیاسی - نظامی

در روایات توصیه شده است که فرزندانان را با اخلاق، ابزارها و شیوه‌های نظامی - دفاعی و چگونگی برخورد با مسائل سیاسی آشنا سازید تا دشمنان بر آنها غالب نشوند و توانائی مقابله با آنان را داشته باشند. از جمله مواردی که مورد تأکید و سفارش ائمه اطهار علیهم السلام بوده، به قرار زیر می‌باشد:

الف) سیاسی

امام علی علیه السلام در روش برخورد با فتنه‌ها می‌فرماید: در فتنه‌ها همچون شتر کم سن و سال باش؛ نه پشت او قوی شده که سوارش شوند نه پستانی دارد که بدوشند.^۳

حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام در مورد اخلاق سیاسی اینگونه سفارش می‌نماید: کسی را به پیکار دعوت نکن اما اگر تو را به نبرد خبر دادند، بپذیر، زیرا آغازگر پیکار تجاوزکار است و تجاوزکار، شکست خورده است.^۴

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۴۸۹

۲. إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِحَ بَصْرَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ، كلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳ ص ۲۰۶

۳. كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبْ، وَلَا ضَرْعَ فَيَحْلَبْ، نهج البلاغه، حکمت ۱

۴. لَا تَدْعُونَ إِلَى مُبَارَاةٍ، وَ إِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَأَجِبْ، فَإِنَّ الدَّاعِيَ بَاغٍ، وَ الْبَاغِي مَضْرُوعٌ، همان، حکمت ۲۳۳



ضرورت خودسازی مدیران:

حضرت علی علیه السلام: کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت بر مردم قرار می‌دهد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد به تعلیم خویش پردازد و باید تأدیب و تعلیم او نسبت به دیگران پیش از آنکه با زبانش باشد با عمل صورت گیرد و کسی که معلّم و ادب‌کننده خویش است به احترام سزاوارتر از کسی است که معلّم و مرّبی مردم است.^۱

کلام امام علیه السلام در اینجا مطابق ظاهر اطلاق کلام، هم رئیس حکومت بر مردم را شامل می‌شود و هم تمام کسانی را که به نوعی ارشاد و هدایت مردم را بر عهده می‌گیرند. این جمله اشاره به یک واقعیت مسلم عقلانی است که تا انسان خودش چیزی را نداشته باشد نمی‌تواند به دیگران اهدا کند. مردم سخنان کسی را می‌پذیرند که به گفته خود معتقد باشد و به تعبیر معروف: تا سخن از دل بر نیاید بر دل نشیند و نشانه روشن این اعتقاد این است که به گفته خود عمل کند.^۲

ب) نظامی

آموزش تاکتیک‌های نظامی:

حضرت علی علیه السلام از فرار و عقب‌نشینی‌هایی که بعد از آن حمله تازه‌ای به دشمن است نگران نباشید و همچنین از جولانی که بعد از آن، حمله صورت می‌گیرد ناراحت نشوید. حق شمشیرها را ادا کنید و جای در غلطیدن دشمن را مهیا سازید. خود را برای زدن سخت‌ترین نیزه و شدیدترین ضربه شمشیر بر پیکر دشمن به هیجان در آورید، صداها را خاموش کنید که در بیرون راندن سستی بسیار مؤثر است.^۳

۱. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ. نهج البلاغه، حکمت ۷۳

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۱۲، صص ۴۳۸-۴۳۷

۳. «لَا تَسْتَدَنَّ عَلَيكُمْ فَرَّةً بَعْدَهَا كَرَّةٌ، وَ لَا جَوْلَةً بَعْدَهَا حَمَلَةٌ، وَ أَعْطُوا السُّيُوفَ حَقُوقَهَا، وَ وَطَّنُوا لِلْجُنُوبِ مَصَارِعَهَا وَ أَدْمُرُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الطَّغْنِ الدَّغْسِيِّ، وَ الضَّرْبِ الطَّلْحِيِّ، وَ أَمِيتُوا الْأَصْوَاتَ، فَإِنَّهُ أَطْرَدُ لِلْفُشْلِ ...، همان، نامه ۱۶



حضرت علی علیه السلام؛ دندانها را بر هم بفشارید که مقاومت جمجمه‌ها را در برابر ضربات دشمن بیشتر می‌کند. زره را (با کلاهخود و ساعدبند) کامل کنید و شمشیرها را قبل از کشیدن از نیام، تکان دهید (تا به آسانی از نیام درآید). با خشم و بی‌اعتنایی به دشمن نظر افکنید و به هر سو حمله کنید و ضربه بزنید تا غافلگیر نشوید، از فاصله نزدیک با لبه تیز شمشیر، حمله نمایید و با پیش نهادن گام، شمشیر را به دشمن برسانید!^۱

حضرت علی علیه السلام؛ قدمه‌ایت را بر زمین می‌خکوب کن! و نگاهت به آخر لشکر دشمن باشد! چشمت را فروگیر (و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن نشو!) و بدان! نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است!^۲

حضرت علی علیه السلام؛ برای پیکار با دشمن بیرون آی و با بصیرت و فهم خود (در مبارزه با او) حرکت کن و برای جنگ با کسی که می‌خواهد با تو بجنگد دامن همت به کمر زن (و شجاعانه با او بجنگ)^۳

* بکارگیری روش‌های تربیتی و محبوب نمودن ائمه اطهار علیهم السلام نزد فرزند سبب ایجاد علاقه و ارتباط عاطفی گردیده، ورود آنان به دریچه قلب و دل فرزند، پذیرش قلبی آن بزرگواران را به همراه دارد و در گام بعدی پس از آنکه فرزند نسبت به آنان پذیرش قلبی داشت سبب می‌گردد در فکر و عمل نیز آنان را قبول و الگوی خویش قرار دهد و مهم‌تر اینکه ولایت آنان را پذیرا می‌گردد، مطیع و پیرو آنان خواهد شد و در این صورت است که به هدف نهایی خلقت و تربیت دست خواهد یافت.

۱. نهج البلاغه، خطبه / ۶۶

۲. همان، خطبه / ۱۱

۳. همان، نامه / ۳۴

فصل سوم

برنامه تربیت دینی

انسان برای زیست صحیح، اداره طول زندگی خویش و محافظت در برابر انواع انحرافات و مفسد نیاز به برنامه تربیتی دارد. تربیت دینی که مفاد آن برگرفته از متن قرآن و دستورات ائمه اطهار (علیهم السلام) است برای تمام مراحل تربیتی فرزند برنامه دارد.

مراحل برنامه تربیتی عبارتند از:

اولین مرحله تربیت دینی توسط والدین و قبل از تولد، هنگام انتخاب همسر است. دومین مرحله (ایجاد محبت اهل بیت (علیهم السلام)) توسط دیگر عوامل تربیتی نظیر رهبران فکری، رهبران جامعه، مربیان و ... و مرحله سوم برنامه تربیتی (اطاعت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام)) را خود فرد و با کمک بخش‌های دیگر تهیه و اجرا می‌نماید.

۱- مرحله اول: قبل و هنگام تولد

۱-۱- انتخاب همسر

خداوند در آیاتی از قرآن به ذکر نشانه‌ها و آیات خویش پرداخته است. یکی از این نشانه‌ها خلقت همسر و امکان تشکیل خانواده است.

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)^۱

قرآن در این آیه با تعبیر «لِتَسْكُنُوا» هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است. وجود همسران با ویژگی‌هایی که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب

۱. روم/ ۲۱



می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.^۱

بنابراین ازدواج فقط یک هدف را دنبال می‌کند و آن، آرامش است. لذا تمام ملاک و معیارها لازم است به گونه‌ای باشد که فرد را به آرامش برساند.

آنچه در ازدواج موجب آرامش انسان می‌شود و اصلی‌ترین ملاک می‌باشد، همتایی و کفویت است. و مهم‌ترین مسأله در کفویت اعتقادات و باورهای دینی و ایمان است.

کفویت زوجین سبب آرامش در زندگی می‌شود. از این روست که در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام به آن تأکید شده است.

در تربیت دینی ملاک‌ها بر اساس سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام است. مواردی از معیارهای انتخاب همسر طبق فرمایشات و دستورات امامان معصوم علیهم‌السلام بدین ترتیب است:

ملاک‌های انتخاب همسر: دینداری، حُسن خلق، مهربان، مددکار، بی‌دردسر، اصالت خانوادگی و...

ملاک‌های انتخاب شوهر: ایمان، دیانت، اخلاق، تقوا، غیرت و^۲

هم‌چنین ائمه اطهار علیهم‌السلام خصوصیات ذکر فرموده‌اند و زنان و مردان را از ازدواج با آنان برحذر داشته‌اند. مانند زنان لجباز، ناسازگار، احمق، بی‌بندوبار و پردردسر^۳ و همچنین مردانی که بداخلاق و شراب‌خوار هستند.^۴

۱. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ۳۹۲-۳۹۱.

۲. در این زمینه رجوع شود به کتاب تحکیم خانواده، محمدی ری‌شهری و کتاب مسائل ازدواج و حقوق خانواده، علی‌اکبر بابازاده و منابع حدیثی از قبیل: وسائل‌الشیعه، ج ۲۰؛ معانی‌الاجبار؛ الکافی؛ ج ۵؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴.

۳. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲ و ۱۷۲؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۵۴؛ من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۰.

۴. وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷.

۴. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی، تحف‌العقول، ص ۳۲۲.



۲-۱- انعقاد نطفه

این مرحله قبل از انعقاد نطفه و پس از انعقاد نطفه را شامل می‌شود. که لازم است همسران برای اقدامات این مراحل سه‌گانه به کتب حدیثی مربوطه از جمله حلیة‌المتقین مراجعه فرمایند.

۳-۱- تولد و نوزادی

اقداماتی که در برنامه تربیت دینی برای تولد فرزند ذکر می‌شود باعث اهمیت دادن و پذیرش وی به عنوان عضو رسمی خانواده گردیده و شخصیت فردی برای او ایجاد می‌شود. از جمله اقدامات این مرحله شامل:

الف) نام نیکو: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«يُحِبُّ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ اِخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ وَتَحْسِينُ اسْمِهِ وَالْمُبَالَغَةُ»^۱

ب) عقیقه: برگزاری مراسم ضیافت در موارد مخصوص، از دستورات دینی و سیره پیامبران است. یکی از این موارد هنگام تولد فرزند است که والدین در صورت امکان حداقل یک گوسفند به عنوان «عقیقه نوزاد» در روز هفتم قربانی کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَقِيْقَةُ وَاجِبَةٌ»^۲ ذبح گوسفند برای فرزند واجب است.

همچنین انجام سایر آداب ولادت نوزاد که ائمه اطهار علیهم السلام بیان فرموده‌اند. برای آشنایی و انجام این مراسم به کتاب مسائل ازدواج و حقوق خانواده نوشته آقای اکبر بابازاده صفحات ۱۳۳-۱۲۷ رجوع شود.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۵.

۲. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۵، ص ۱۴۴.



۲- مرحله دوم: دوران کودکی یا سیادت^۱

هفت سال اول زندگی در روایات اهل بیت علیهم السلام با عنوان سیادت نام برده شده است. در این هفت سال اول فرزند به سن تمیز و عقلانیت نرسیده و از نظر جسمی ناتوان است و قادر به برآورده ساختن خواسته‌ها و نیازهای خویش نمی‌باشد. لذا والدین لازم است به او توجه نمایند و خواسته‌هایش را برآورده سازند.

اعمالی که در این مرحله طبق فرمایشات اهل بیت علیهم السلام برای تربیت دینی انجام می‌شود عبارتند از:

۲-۱- تربیت جسمانی:

این بعد از تربیت ناظر به بعد جسمی و حیاتی است. پروراندن جسم و محافظت از آن در برابر بیماریها و حفظ صحت و تندرستی جسم از جمله ابعاد تربیت و بر عهده والدین می‌باشد. لازم است والدین زمینه رشد جسمی فرزند را فراهم آورند. حفظ صحت و تندرستی جسم، مقدمه سلامت روان است.^۲ در تربیت اسلامی میان تن و روان و عقل و دل انسان هیچگونه بیگانگی وجود ندارد و اسلام آنها را منهای یکدیگر و بدون توجه به پیوند و ارتباطی که میان آنها وجود دارد تربیت نمی‌کند. در تربیت اسلامی قوای حسی و نیروهای جسمانی و تقویت آنها بدون هدف نیست، بلکه تربیت جسمانی از آن جهت که در وصول به آماج مطلوب و معقول و رسیدن به اهداف الهی، انسان را یاری می‌دهد، مورد تأیید می‌باشد.^۳

الف) تغذیه حلال: در تربیت جسمانی بر والدین است که خوردنی‌های پاک و حلال برای فرزند تهیه نمایند.

۱. در روایات اهل بیت علیهم السلام مقاطع تربیت‌پذیری فرزند به سه دوره تقسیم شده است و بنابر نیازها و احتیاجات سنی آن مقطع نامی برای هر دوره اتخاذ شده است. لذا مرحله دوم تا چهارم برنامه تربیتی با تعبیر روایی نام‌گذاری شده است.

۲. حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت بخش اول، ص ۴۱

۳. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، ص ۴۴



ب) ورزش و بازی: امام صادق علیه السلام: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ...»^۱

بگذار تا فرزندت هفت سال بازی کند.

بازی موجب رشد جسمی است. عضلات را نیرومند و استخوان‌ها را محکم می‌کند. باعث مهارت حس لامسه و حس بینائی می‌شود. هم‌چنین بازی عاملی برای آموزش اصول و قواعد زندگی به فرزند است.

۲-۲- تربیت عاطفی:

از جمله نیازهای اساسی و همیشگی انسان، نیاز به محبت و امنیت است. در این مقطع سنی به دلیل ویژگی‌های فرزند بر والدین است که محیطی امن و خالی از هر گونه اضطراب و ناامنی و سرشار از مهر و محبت را برای وی فراهم آورند.

۲-۳- مقدمات تشکیل نگرش نسبت به:

الف) خدا

ب) جهان هستی

ج) خود

د) مرگ

۳- مرحله سوم: دوران اطاعت

هفت سال دوم زندگی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان فرزند پدید می‌آید. ویژگی مهم این دوران، تأثیرپذیری است. در این سن، فرزند تمایل شدید به تبعیت و تقلید از محبوب خود دارد. لذا در روایات این دوره سنی با تعابیر مختلفی از جمله «عَبْدُ سَبْعَ سِنِينَ»^۲، «يُؤَدِّبُ سَبْعَ

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۶، ص ۴۶.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶.



سِنِينَ^۱، «يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ»^۲ یاد شده است و بیشترین تأکید بر امر تربیت مربوط به این مرحله می‌باشد. بنابراین قسمت عمده‌ای از گام اول تربیت دینی یعنی ایجاد محبت اهل بیت علیهم‌السلام در این مرحله لازم است انجام شود. پس از آن که فرزند آنان را به عنوان محبوب خویش برگزیند از آنان اطاعت می‌کند.

تجلی تربیت دینی در این دوره و مقطع سنی است که در تمام ابعاد زندگی و در تمام ابعاد تربیتی تحت تربیت محبوب خویش یعنی اهل بیت علیهم‌السلام باشد. عقاید و دستورات آنان را سبک زندگی خویش قرار دهد.

عقیده‌اش نسبت به خدا، جهان هستی، خود و مرگ طبق عقاید آنان باشد. اخلاقیاتش بر طبق آنچه باشد که اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند. در تمام جهات زندگی مطیع و فرمانبردار آنان باشد. طبق آنچه در گام دوم تربیت دینی یعنی اطاعت و ولایت ذکر شد.

۴- مرحله چهارم: دوران وزارت

برای این دوران در روایات اهل بیت علیهم‌السلام تعبیر «الزَّيْمَةُ نَفْسَكَ»^۳، «وَزَيْرُ سَبْعِ سِنِينَ»^۴ بکار رفته است و هفت سال سوم با عنوان وزارت یاد شده است.

وزارت به معنی یاری و معاونت و همچنین کمک فکری و همکاری در تدبیر و مصلحت‌اندیشی نیز آمده است. فرزند در مراحل قبل در محیط منزل مسئولیت نداشته است اما در این مرحله با توجه به ویژگی‌های این دوران باید مسئولیت بپذیرد.

لذا در این مقطع سنی فرزند، معاون والدین است و لازم است آن‌ها در امور منزل با وی

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۶، ص ۴۷.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۳.

۴. همان، ص ۴۷۶.



مشورت نمایند و با او تبادل فکر و اندیشه داشته باشند.

آنچه در این مرحله از برنامه تربیتی مهم است:

۱- تشکیل شخصیت و تأمین هویت فرزند

۲- شکل‌یابی و تثبیت عقاید

۳- تربیت عقلانی و فکری

بطور کلی می‌توان گفت عقاید، اخلاق، اعمال و گفتار وی برطبق دستورات و فرمایشات

قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

* امید است با اتخاذ تربیت دینی، فرد انسان‌ها و جامعه اسلامی در سایه محبت و ولایت

اهل بیت علیهم‌السلام در صراط مستقیم گام نهاده و به سعادت و رستگاری ابدی دست یابند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. انصاریان، حسین، **اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین**، ویرایش و تحقیق مرکز علمی-تحقیقاتی دارالعرفان، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲. بابازاده، علی اکبر، **شیوه‌های تعلیم و تبلیغ**، دانش و ادب، قم، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳. _____، **مسائل ازدواج و حقوق خانواده**، قم، دانش و ادب، ۱۳۹۳ ه.ش.
۴. باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹ ه.ش.
۵. پارسا، محمد، **روانشناسی تربیتی**، تهران، سخن، ۱۳۸۰ ه.ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه.ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان: شرح زیارت جامعه کبیره**، تحقیق و تنظیم محمد صفائی، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ه.ش.
۸. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲ ه.ش.
۹. حجتی، محمدباقر، **اسلام و تعلیم و تربیت بخش اول تربیت**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ه.ش.
۱۰. حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، ترجمه جعفری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ ه.ش.
۱۱. حسینی زاده، سیدعلی؛ داودی، محمد، **سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام**، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، **درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی ج ۱**، با همکاری علی محمد کاردان... [و دیگران]، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش.

۱۳. دستغیب، سید عبدالحسین، زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام تنظیم و تصحیح: دستغیب، سید محمد هاشم، قم، دارالکتاب، بیتا.
۱۴. دیلمی، حسن، ارشادالقلوب الی الصواب، ترجمه عباس طباطبائی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه حسن خداپرست، قم، چاپ و نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۷. سید رضی، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ترجمه محمد دشتی، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام قم، بی تا.
۱۸. شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۹. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۰. صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره، انصاری محلاتی، محمدرضا، قم، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، الامالی، ترجمه کمره‌ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۲. _____، علل الشرایع، قم، مکتبه یدآوری، بی تا.
۲۳. _____، عیون الاخبار، ترجمه غفاری، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۴. _____، معانی الاخبار، ترجمه محمدی، قم، اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۵. من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه استاد ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۷. تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۷ ه.ش.
۲۸. طبرسی، ابوالفضل بن حسن، مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۹. طیب، سیدعبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، بی‌جا، کتابخانه اسلام، ۱۳۶۲ ه.ش.
۳۰. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۱. قائمی، علی، زمینه تعلیم و تربیت، تهران، امیری، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، آیین دانش، بی‌جا، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، ولیعصر علیه السلام، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۴. متقی‌هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۱.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، لمکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق.
۳۶. محدثی، جواد، عشق برتر راه‌های ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در فرزندان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳۷. محمدی‌ری‌شهری، محمد، حکمت‌نامه کودک، همکار و مترجم عباس پسندیده، قمدار الحدیث، ۱۳۸۵ ه.ش.
۳۸. مروّجی طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ه.ش.

۳۹. مشکاتی، حسن، پژوهشی در مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت، اصفهان، دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان، ۱۳۸۹ه.ش.
۴۰. _____، مروری بر تربیت و اخلاق در نهج البلاغه، اصفهان، دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان، ۱۳۹۱ه.ش.
۴۱. _____، مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ه.ش.
۴۲. _____، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۶۷ه.ش.
۴۳. _____، قیام و انقلاب مهدی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸ ه.ش.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی (یک جلدی کامل)، تهران، ساحل، ۱۳۸۶ه.ش.
۴۵. مفید، امالی المفید، ترجمه استاد ولی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ه.ق.
۴۶. مکارم شیرازی دام‌ظله، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ه.ش.
۴۷. _____، پیام قرآن، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ه.ش.
۴۸. _____، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ه.ش.
۴۹. _____، کلیات مفاتیح نوین، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ه.ش.
۵۰. موسوی کاشمری، سید مهدی، روش‌های تربیت، قم مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۹ه.ش.
۵۱. نصری، عبدالله، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵ه.ش.
۵۲. وجدانی، جعفر، الفین، ترجمه وجدانی، سعدی و محمودی، تهران، بی تا.

منابع عربی:

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضوی، ۱۳۵۶ه.ق.
۲. بحرانی، نورالله، عوالم العلوم، قم، موسسه الامام المهدي، ۱۴۲۹ه.ق.
۳. حرّعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ه.ق.
۴. حسینی بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ه.ش.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، حویزی، نورالثقلین، قم، المطبعة، ۱۳۸۲ه.ق.
۶. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ه.ق.
۷. فیومی، احمدبن محمدبن علی، المصباح المئیر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ه.ق.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليه السلام، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۷ه.ق.
۹. نوری طبرسی، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، بیروت - لبنان، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ه.ق.